

( ویراست دوم | منطبق با مقررات جدید )

# حقوق متهم

حقوق به زبان ساده



نویسندگان

عبدالفتاح سلطانی

مهناز پراکند



[www.shirinebadifoundation.org](http://www.shirinebadifoundation.org)



<https://t.me/shirinebadiofficial>



# حقوق متهم

( ویراست دوم { منطبق با مقررات جدید } )

نویسندگان

عبدالفتاح سلطانی

مهناز پراکند



۱ ۴ ۰ ۱  
2 0 2 3

بنیاد شیرین عبادی

Shirin Ebadi Foundation

## حقوق متهم

Rights Of The Accused

ویراست دوم

منطبق با مقررات جدید

عنوان کتاب: حقوق متهم  
حقوق به زبان ساده

نویسندگان: عبدالفتاح سلطانی، مهناز پراکند

طراحی گرافیک متن و جلد: بیدار

ناشر: نشر الکترونیک بنیاد شیرین عبادی

[www.shirinebadifoundation.org](http://www.shirinebadifoundation.org)

[نوبت انتشار: دوم؛ نخست ناشر/ الکترونیک/ ۱۴۰۱]

ح) کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

© Shirin Ebadi Foundation 2023

# فهرست

- ۷ ————— مقدمه
- ۹ ————— متهم کیست و چه فرقی با محکوم دارد؟
- ۹ ————— تعریف متهم
- ۱۰ ————— آیا متهم باید بیگناهی خود را ثابت کند؟
- ۱۱ ————— جرم چیست و چند دسته است؟
- ۱۱ ————— جرایم مشهود
- ۱۲ ————— جرایم غیر مشهود
- ۱۲ ————— فایده تشخیص جرایم مشهود و غیر مشهود در چیست؟
- ۱۳ ————— حقوق متهم در جرایم مشهود چیست؟
- حقوق متهم در جرایم مشهود که ضابطان دادگستری بدون دستور قضائی اقدام به
- ۱۳ ————— دستگیری متهم می کنند چیست؟
- ۱۶ ————— حقوق متهم در جرایم غیر مشهود چیست؟
- ۱۶ ————— الف) احضار متهم به مرجع قضائی
- ۱۷ ————— ب) جلب یا دستگیری متهم
- ۱۸ ————— حقوق متهم هنگام جلب
- ۱۹ ————— استثنائات شرایط عمومی برگ جلب

- ۲۰ ————— حقوق متهم پس از احضار یا جلب
- ۲۱ ————— الف) تفهیم اتهام و دلایل آن
- ۲۲ ————— ب) حق استفاده از وکیل
- ۲۳ ————— پ) منع تهدید و شکنجه متهم
- ۲۵ ————— ت) رعایت حق سکوت
- ۲۵ ————— ث) رعایت حرمت و کرامت فرد دستگیر شده
- ۲۷ ————— ج) ممنوع بودن استراق سمع و شنود مکالمه‌های تلفنی متهم
- ۲۷ ————— چ) تفتیش و بازرسی منزل یا اماکن بسته و تعطیل
- ۳۰ ————— ح) اخذ آخرین دفاع
- ۳۱ ————— خ) حقوق متهم بازداشت شده
- ۳۴ ————— د) حق برخورداری از دادرسی عادلانه و دادگاهی صالح و بیطرف
- ۳۵ ————— ذ) حق برخورداری از قاضی صالح و بی‌طرف
- ۳۶ ————— ر) حق محاکمه متهم به اتهامات متعدد در یک محکمه
- ۳۸ ————— ز) حق محاکمه شرکا و معاونین جرم، همزمان در محکمه واحد
- ۳۸ ————— ژ) حق تحصیل اطلاعات از پرونده
- ۳۹ ————— س) حق مطالعه هر اوراقی که برای امضاء در اختیار متهم قرار می‌گیرد
- ۳۹ ————— ش) حق اعتراض به قرار بازداشت
- ۴۰ ————— ص) حق سؤال از شهودی که علیه متهم شهادت می‌دهند
- ۴۰ ————— ض) حق اخذ رسید در هنگام بازرسی از منزل و بازرسی بدنی متهم
- ۴۱ ————— ط) حق استرداد اموالی که در بازرسی بدنی متهم کشف شده است
- ۴۲ ————— ظ) حق دریافت نسخه‌ای از قرار، کیفرخواست یا دادنامه
- ۴۳ ————— ع) حق علنی بودن محاکمه
- ۴۳ ————— غ) حق مطالبه خسارت ایام بازداشت غیرقانونی
- ۴۴ ————— ف) حق برخورداری متهم از بهداشت، غذا و تفریح سالم در بازداشتگاه
- ۴۴ ————— ق) حق درخواست ضدعقونی کردن مکانی که در آنجا نگهداری می‌شود
- ۴۴ ————— ک) حق مراجعه به بهداری بازداشتگاه یا زندان و حق معالجه و درمان
- ۴۴ ————— گ) حق مرخصی برای متهمین در بازداشت
- ۴۵ ————— **نکته‌های کلی**
- ۴۷ ————— **پی‌نوشت‌ها**



## مقدمه

♦♦ «دادرسی عادلانه یکی از ارکان اساسی برای سنجش دموکراسی در یک کشور است. نحوه برخورد با متهم و تضمین روند عادلانه و صحیح دادرسی در قوانین و استانداردهای بین‌المللی به صراحت بیان شده است. در قانون اساسی، قانون آئین دادرسی کیفری، و قانون مجازات اسلامی ایران نیز اصول و مقرراتی جهت تضمین حقوق متهم و دادرسی عادلانه پیش‌بینی شده است. در این کتاب شما را با «حقوق متهم» در قوانین ایران آشنا می‌کنیم. به شما می‌گوییم:

جمهوری اسلامی ایران از بدو استقرار پایه‌های قدرتش، رابطه خوبی با نهاد و کالت و کلای آزاد و مستقل نداشته و ندارد. به‌ویژه آنجا که حق و حقوق ملت در میان است و این حقوق در تعارض با قدرت قرار می‌گیرند، سعی می‌کند به هر روش غیرقانونی و غیراخلاقی متوسل شود تا وکلارا از ورود به پرونده‌های سیاسی و امنیتی باز دارد که با خیالی آسوده متهمین این پرونده‌ها را مرعوب و خواسته‌های به‌حق آن‌ها را سرکوب کند. از این رو، حکومت قدم به قدم و هم‌زمان با سرکوب خواسته‌های قانونی ملت و فعالین مدنی و سیاسی، عرصه را بر وکلای مدافع حقوق بشر که صادقانه از حقوق قانونی متهمان دفاع می‌کنند تنگ و تنگ‌تر می‌کند.

در سال ۱۳۸۷ با توجه به روش غیرقانونی‌ای که قوه قضائیه در پیش گرفته بود و با هدف فشار بیشتر بر متهمین سیاسی و عقیدتی جهت اخذ اقرار، آنان را در شرایط ایزوله قرار داده و از ملاقات و دسترسی به وکیل منع می‌کرد؛ «عبدالفتاح سلطانی» و من تصمیم گرفتیم که با نگارش و توضیح مقررات مربوط به آئین دادرسی کیفری، فعالین سیاسی و مدنی را با حقوق دفاعی‌شان آشنا کنیم تا با اطلاع از حقوق خود،



حداقل در برخورد با بازجویان و در بازپرسی‌ها - تا زمان دسترسی به وکیل - در دام فریب و تهدید و فشار بازجویان نیافتند.

به این منظور، جزوه حقوق متهم به زبانی ساده و قابل فهم برای همه افراد، به رشته تحریر در آمد. این جزوه در جلسات ویژه «کانون مدافعان حقوق بشر» و در نشست‌ها با گروه‌هایی از فعالین مدنی و سیاسی که در خطر بازداشت و دستگیری بودند، آموزش داده شد که مورد استفاده بسیاری از متهمین سیاسی و عقیدتی در بازجویی‌ها قرار گرفت و نتایج نسبتاً مثبتی نیز به بار داشت.

این روزها که در جریان اعتراضات سراسری، بسیاری از هموطنان عزیزمان کشته شدند و هزاران نفر در بازداشت بوده و با اتهامات امنیتی مواجه هستند، لازم دانستیم که مجدداً مفاد این جزوه از طریق سایت و کانال تلگرامی و صفحه اینستاگرام کانون مدافعان حقوق بشر و سایر شبکه‌های اجتماعی در اختیار هموطنان عزیز قرار گیرد. به‌ویژه که در این‌گونه دستگیری‌ها بازداشت‌شدگان تا مدت‌ها ممنوع‌الملاقات بوده و از استفاده از خدمات وکیل منتخب خود محروم هستند.

هم‌زمان با انتشار مکتوب این جزوه، تصمیم گرفتیم که متن آن را به صورت صوتی نیز در اختیار هموطنان قرار دهیم. باشد تا اشخاصی که وقت و امکان مطالعه را ندارند نیز با شنیدن فایل‌های صوتی، با حق و حقوق دفاعی خود آشنا شوند تا در مواقع ضروری از آن استفاده کنند. لازم به ذکر است که مفاد این جزوه با تغییرات مندرج در مقررات «قانون آئین دادرسی کیفری» به‌روز شده. امید است این جزوه کوچک به منزله ابزاری باشد که فعالین مدنی و سیاسی را در برخورد با بازجویان و بازپرسان و قضات دادگستری یاری نماید و آن‌ها را از افتادن در چاهی که بازجویان با فریب و نیرنگ حفر می‌کنند، باز دارد.

**مهناز پراکند**



## ❓ در بازجویی‌ها و محاکمات کیفری چه باید کرد؟ «متهم» چه حقوقی دارد و مراجع و مقامات قضائی و انتظامی چه وظایفی دارند؟

در ابتدا تاکید می‌کنیم که آشنایی با این حقوق، شما را از مراجعه به وکلای دادگستری مدافع حقوق بشر و استفاده از خدمات حقوقی ایشان بی‌نیاز نمی‌کند. توصیه اکید ما این است که حتی اگر تمام مقررات آئین دادرسی کیفری را به خوبی بدانیم و به همه حقوق دفاعی‌مان آشنا باشیم، باز از استفاده از خدمات وکیل دادگستری بی‌نیاز نیستیم. توصیه می‌شود در تمامی مراحل از خدمات وکیل دادگستری استفاده شود.

### ⚖️ متهم کیست و چه فرقی با محکوم دارد؟

**تعریف متهم:** در حقوق جزا «متهم» به کسی اطلاق می‌شود که گمان برود کار مجرمانه‌ای انجام داده، ولی هنوز ثابت نشده که آن عمل مجرمانه را او انجام داده است. چون اگر ثابت شود که عمل مجرمانه‌ای انجام داده، در این صورت به او متهم نمی‌گویند؛ بلکه «مجرم» خواهند گفت.

🎯 **مثال:** قتلی اتفاق افتاده و شخصی را به عنوان مظنون به قتل، متهم کرده‌اند. چون پرونده در مرحله‌ای است که هنوز ثابت نشده این فرد قتل را انجام داده یا نه، در این مرحله به او عنوان «متهم» می‌دهند و نه «مجرم».

به عبارت دیگر: متهم کسی است که گمان می‌رود ارتکاب بزه از ناحیه وی صورت گرفته و اثبات اتهام گناهکار بودن او نیز به عهده کسی است که او را متهم کرده. این‌طور نیست که متهم خودش مکلف به اثبات بی‌گناهی خود باشد؛ زیرا هم در قوانین بین‌المللی مورد پذیرش ایران (از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) و هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، و هم در قانون آئین دادرسی کیفری اصل بر این است که همه بی‌گناه هستند؛ مگر کسی که طبق مقررات قانونی و با دلایلی که قانون آن‌ها را معتبر می‌داند و در یک دادگاه عادلانه و بی‌طرف، گناهکار بودن او ثابت شود.<sup>۱</sup>

بنابراین به صرف وجود گمان و تردید بر اینکه جرمی توسط کسی ارتکاب یافته است نمی‌توان آن شخص را به عنوان مجرم تلقی و معرفی کرد.

◎ **مثال دیگر:** در یک ساختمان ۴ طبقه ۴ واحدی که همه مالکین دارای خودرو هستند، دزدی شبانه با باز کردن قفل در پارکینگ، وارد شده و لوازم قیمتی تمام خودروها به جز یکی از آن‌ها را به سرقت می‌برد. در این مرحله، مراجع تحقیق و دادگاه باید در نهایت بی‌طرفی و با فرض بی‌گناه بودن متهم، با تحقیق از وی و بررسی مدارک و دلایل موجود، داوری و قضاوت کنند.

به همین جهت و برای اینکه متهم بتواند دفاع قابل قبولی از خود ارائه دهد و دادگاه هم با رعایت بی‌طرفی به حقیقت برسد، قانونگذار برای متهم حقوقی را در نظر گرفته و مقرر داشته است تا با «حق دفاع» او در تعارض نباشد. از جمله این حقوق اینکه: هر کس شکایتی علیه دیگری می‌کند باید شکایتش مستدل و متکی به دلیل باشد.

بنابراین، شاکی در شکایت خود باید ۲ گونه دلیل ارائه دهد:

۱. دلایل اثبات این مطلب که جرمی واقع شده

۲. اینکه جرم واقع شده را متهم انجام داده است

در واقع دادسرا حق ندارد به شکایتی که بدون ارائه مدرک و دلیل اقامه شود و دلایل کافی برای احضار متهم و تحقیق از او وجود نداشته باشد، ترتیب اثر دهد و کسی را به عنوان متهم احضار و از او تحقیق کند.<sup>۲</sup>

### ؟ آیا متهم باید بی‌گناهی خود را ثابت کند؟

نه! همان‌طور که گفته شد، تکلیف ارائه دلیل و اثبات گناهکار بودن متهم به عهده شاکی است و نه خود متهم. در مورد سرقت لوازم خودروی همسایگان از پارکینگ، صرف به سرقت نرفتن لوازم خودروی یک نفر نمی‌تواند دلیل کافی برای ورود اتهام به او باشد؛ بلکه این اتفاق فقط سبب ایجاد ظن و گمان علیه آن شخص شده و دلیلی برای ورود اتهام سرقت به او به حساب نمی‌آید. چنان‌چه همسایه‌ها بخواهند علیه او شکایتی طرح کنند باید شکایت‌شان را با ذکر دلیل به مرجع قضایی ارائه کنند، وگرنه هیچ‌کس نمی‌تواند بدون دلیل کسی را در مظان اتهام قرار بدهد.

◎ **مثال:** اگر همسایه‌ای که متهم شده، پیش از این به جرم سرقت محکوم شده و سابقه سرقت دارد یا مثلاً همسایه‌ها دیده باشند او آخرین نفری بوده که از پارکینگ خارج شده، یا کسی از همسایه‌ها وسیله‌ای از وسایل خودروهای به سرقت رفته را در دست او دیده باشد؛ در این صورت می‌توان شخص مظنون را

مورد بازجویی قرار داد. به غیر از این، شروع به تحقیق از کسی که هیچ قرینه یا دلایلی علیه او نیست امری غیرقانونی تلقی می‌شود.

وضع این مقررات سختگیرانه بدین منظور است که مبدا بی‌گناهی بی‌جهت در معرض اتهام قرار گرفته یا بی‌جهت محکوم شود، یا گناهکاری بیش از آنچه قانون تعیین کرده مجازات شود.

### ترازوی عدالت جرم چیست و چند دسته است؟

انواع جرایم: از یک نظر و با یک تقسیم‌بندی کلی، جرایم ۲ دسته هستند:  
الف) جرایم مشهود  
ب) جرایم غیر مشهود

#### ◀ جرایم مشهود

طبق قانون، «جرایم مشهود» جرم‌هایی هستند که دارای یک یا چند ویژگی زیر باشند:  
۱. جرایمی که «در برابر چشمان ضابطان دادگستری»<sup>۲</sup> اتفاق می‌افتند.

🎯 **مثال:** در خیابان درگیری صورت می‌گیرد و یک مأمور نیروی انتظامی می‌بیند که خسرو با چاقو به مهران حمله کرده و به او ضربه‌ای می‌زند. در این صورت می‌گویند «جرم مشهود» است. چون مأمور نیروی انتظامی خودش خسرو را در حال مجروح کردن مهران دیده و به اصطلاح شاهد وقوع جرم بوده است.

۲. جرایمی که بلافاصله بعد از وقوع آن‌ها مأمورین در محل حاضر شده و آثار و علائم وقوع جرم را مشاهده می‌کنند.

🎯 **مثال:** بعد از نزاعی که بین خسرو و مهران در گرفته است مأمورین انتظامی برسند و ببینند که خسرو چاقویی خون‌آلود در دست دارد و مهران هم با چاقو زخمی شده، محل زخم در حال خون‌ریزی است و مهران هم بی‌حال یا بی‌هوش افتاده است. در اینجا آثار وقوع جرم مثل زخمی‌بودن مهران و علائم آن مانند وجود چاقویی خونی در دست خسرو، می‌تواند دلیل وقوع جرم باشد که چون مأمورین آن را مشاهده می‌کنند، جرم مشهود نامیده می‌شود.

۳. جرایمی که در یک محیط بسته (مثل خانه یا محل کار) اتفاق افتاده است و مأمورین مطلع و در آنجا حاضر شده‌اند. صاحب‌خانه یا صاحب‌کار به مأمورین اجازه می‌دهد که وارد محل شده و آثار و علایم وقوع جرم را ببینند.

◎ **مثال:** در داخل منزل بین زن و شوهری درگیری صورت می‌گیرد. فرض کنیم زن و شوهر یکدیگر را مورد ضرب و جرح قرار داده‌اند. یکی از آن‌ها پلیس را خبر کرده و در منزل را به روی مأموران باز می‌کند تا آثار درگیری و ضرب و جرح را مشاهده کنند. در این صورت هم جرم اتفاق افتاده، جرم مشهود نامیده می‌شود.

۴. مواردی که شخص مورد حمله قرار گرفته و آسیبی دیده است و خودش فرد مهاجم را به عنوان متهم معرفی می‌کند.

◎ **مثال:** خسرو با مهران درگیر شده و او را زخمی می‌کند. مأمورین به محل حادثه می‌رسند و فرد دیگری را می‌بینند که چاقویی آغشته به خون در دستش است. مأمورین در صدد دستگیری او بر می‌آیند. اما مهران که زخمی شده ولی به هوش است، خودش به مأمورین می‌گوید شخصی که چاقو در دست دارد او را زده، ولی خسرو که در حال فرار است او را مضروب کرده. این مورد هم از موارد جرم مشهود به شمار می‌آید.<sup>۴</sup>

۵. وقتی که جرمی اتفاق افتاده و متهم آن ولگرد است، و به طور کلی تمام جرایمی که توسط افراد ولگرد (یعنی کسانی که محل سکونت یا محل کار معینی ندارند) صورت می‌گیرد، جرم مشهود تلقی می‌شوند.

### ◀ جرایم غیر مشهود

جرایم غیر مشهود، جرایمی هستند که هیچ‌یک از ویژگی‌های مربوط به جرایم مشهود را ندارند. یا در واقع جرایمی هستند که در خفا و دور از چشم مأمورین یا انتظار عمومی واقع می‌شوند. در اصل، این جرایم با شکایت «شاکلی خصوصی» یا دادستان مطرح می‌شوند.

### فایده تشخیص جرایم مشهود و غیر مشهود، و جداکردن آن‌ها از یکدیگر در چیست؟

یکی از تفاوت‌های تشخیص جرایم مشهود از جرایم غیر مشهود، در نحوه برخورد با

متهم توسط ضابطان دادگستری یا مأمورین است. در جرایم مشهود که بدون شکایت شاکی خصوصی یا دادستان مطرح می‌شوند و مأمورین به طور مستقیم در جریان وقوع آن‌ها قرار می‌گیرند، مأمورین می‌توانند بدون دستور مقام قضایی نسبت به دستگیری و جلب متهم و هدایت او به کلانتری اقدام کنند. اما در جرایم غیرمشهود که مأمورین به طور مستقیم در جریان وقوع آن‌ها قرار نمی‌گیرند و با شکایت شاکی خصوصی یا دادستان مطرح می‌شوند، مأمورین حق ندارند بدون دستور مقام قضایی اقدام کنند. در این‌گونه موارد، برای دخالت و اقدام مأمورین لازم است که یک مقام صالح قضایی (مثل بازپرس، دادیار، یا قاضی دادگاه) و در بعضی مواقع دادستان، دستور اقدام دهد.

### ❓ حقوق متهم در جرایم مشهود چیست؟

گفته شد که در این جرایم مأمورین می‌توانند بدون دستور مقام قضایی متهم را دستگیر و به کلانتری محل هدایت کنند. البته فقط مأمورانی می‌توانند در جرایم مشهود دخالت کرده و متهم را دستگیر کنند که ضابط دادگستری هستند. ضابطان دادگستری ۲ دسته هستند:

۱. دسته اول «ضابطان عام دادگستری» نامیده می‌شوند که شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی است و آموزش لازم را در این زمینه می‌بینند.

۲. دسته دوم «ضابطان خاص» نامیده می‌شوند و آن‌ها مقامات و مأمورانی هستند که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط محسوب می‌شوند. مثل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور زندانیان. یا مأمورین وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه، یا بسیج سپاه و همچنین مأمورین سایر نیروهای مسلح که در موارد خاص وظایف ضابطان دادگستری به آن‌ها محول شود.

همه ضابطان دادگستری باید دوره‌های آموزشی مربوط به ضابطیت را گذرانده و کارت ویژه ضابط دادگستری را داشته باشند.<sup>۵</sup>

### ❓ حقوق متهم در جرایم مشهود که ضابطان دادگستری بدون دستور قضائی اقدام به دستگیری متهم می‌کنند چیست؟

۱. مأمورین مربوطه در همان محل، صورتجلسه‌ای تنظیم و آن را به امضای حاضرین و متهم رسانده و با تهیه گزارشی، مراتب دستگیری و تحویل متهم به کلانتری را اعلام می‌کنند. وگرنه هیچ یک از مراجع انتظامی (یعنی پاسگاه‌های کلانتری) حق ندارند متهمی را بدون صورتجلسه و گزارش و امضای مأمور مربوطه به کلانتری، تحویل بگیرند.

اگر این طور شود، هم مأمور مزبور مرتکب تخلف شده و هم مرجع انتظامی که متهم را بدون گزارش تحویل گرفته، تخلف کرده است.

۲. ضابطان حق ندارند که متهم را بدون دستور دادستان یا هر مقام قضائی دیگر در کلانتری تحت نظر نگه دارند. به همین دلیل بعد از اینکه متهم به کلانتری یا مرجع انتظامی تحویل شد، بلافاصله پرونده‌ای به نام او تشکیل و نوع اتهام و دلایل آن کتبا به او ابلاغ و تفهیم می‌شود و بعد هم به فوریت جریان را به دادستان گزارش می‌کنند تا دادستان تکلیف متهم را تعیین کند.<sup>۶</sup>

بعد از اینکه دادستان گزارش کلانتری را دریافت و بررسی کرد، ۲ وضعیت پیش می‌آید:

**الف)** نظر دادستان بر این است که تحقیقات کامل است و نیازی به تکمیل و ادامه حضور متهم در مرجع انتظامی نیست. در این صورت بنا به نوع اتهام و دلایل موجود، یا دستور بازداشت متهم را صادر می‌کند و او را به یکی از بازداشتگاه‌های رسمی و قانونی سازمان زندان‌ها می‌فرستد. یا اینکه او را با یکی از قرارهای تأمین کیفری - مثل کفالت (ضامن) یا وثیقه - آزاد می‌کند.

**ب)** نظر دادستان بر این است که تحقیقات باید کامل شود. در این صورت دستور می‌دهد که متهم در مرجع انتظامی تحت نظر باشد و تحقیقاتی که برای تکمیل پرونده لازم است، انجام شود. در این صورت مدت تحت نظر بودن متهم فقط ۲۴ ساعت است؛ یعنی مرجع انتظامی نمی‌تواند به عنوان تحت نظر بودن متهم یا تکمیل تحقیقات، متهم را بیشتر از ۲۴ ساعت در کلانتری یا تحت نظر نگه دارد. با تمام شدن حداکثر ۲۴ ساعت مهلت تحت نظر، کلانتری گزارشی تهیه و متهم را همراه با پرونده به دادسرا اعزام می‌کند.

۳. ضابطین دادگستری یا مأمورین نیروی انتظامی که شاهد وقوع جرم مشهودی هستند و به تبع آن متهمی را دستگیر و به کلانتری هدایت می‌کنند، حق ندارند هیچ‌گونه تعرض یا توهینی نسبت به او روا دارند و اگر هرگونه توهینی نسبت به متهم مرتکب شوند یا او را مورد ضرب و جرح قرار دهند، متهم می‌تواند از مأمورین مربوطه شکایت کند.

۴. ضابطین یا مراجع انتظامی حق ندارند برای آزادی متهم، ضامن بخواهند یا وثیقه بگیرند.

۵. اگر ضابطین دادگستری شخصی را در روز تعطیل یا در شب و خارج از وقت اداری دستگیر کنند، در این صورت حداکثر ظرف یک ساعت گزارش دستگیری او و علت آن را به دادستان یا «قاضی کشیک» اطلاع می‌دهند. در این گزارش باید اسم و مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن او قید شده و موضوع به قاضی کشیک

یا دادستان اعلام شود. دادستان یا قاضی کشیک مکلف است که موضوع را بررسی و تکلیف متهم را روشن کند.

۶. به محض اینکه متهم تحت نظر قرار می‌گیرد، حق دارد از خدمات و کیل مورد اعتماد خود استفاده کند. ضابطان بر اساس وظیفه قانونی‌شان کتباً حقوق قانونی متهم (مثل حق درخواست جبران خسارت، بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود، و حق داشتن وکیل) را به متهم اعلام می‌کنند. متهم برگه اعلام حقوق قانونی و حق داشتن وکیل را می‌خواند و زیر آن را امضا می‌کند. یک نسخه از این برگه به متهم داده می‌شود و یک نسخه دیگر آن به عنوان رسید در پرونده می‌ماند. وکیل متهم می‌تواند از همان اولین ساعت تحت نظر بودن و در هنگام تحقیقات، همراه متهم باشد.

۷. در مرجع انتظامی یا هر مرجع قانونی که متهم در آنجا تحت نظر یا بازداشت است، متهم می‌تواند با استفاده از تلفن یا هر وسیله ممکن دیگر به خانواده یا بستگانش اطلاع دهد که توسط چه کسانی بازداشت شده و در کجا تحت نظر است.

۸. متهمی که تحت نظر قرار می‌گیرد یا هر یک از بستگان نزدیک او حق دارد از دادستان بخواهد که توسط یکی از پزشکان تعیین شده به وسیله دادستان، معاینه کامل شده و گواهی پزشک در پرونده‌اش ثبت و ضبط شود.

لازم به توضیح است که هیچ‌یک از تجمعات و اعتراضات خیابانی، تحت هیچ عنوانی - اگرچه برای ضدیت با «اصل ولایت فقیه» یا مخالفت با اصل نظام جمهوری اسلامی صورت بگیرد - غیرقانونی و جرم نیست. طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فقط تجمعاتی غیرقانونی تلقی می‌شوند که شرکت‌کنندگان در آن مسلح باشند. بنابراین حمله به تظاهرات کنندگان و دستگیری و تشکیل پرونده علیه آن‌ها، نه تنها دلیل جرم و «جرم مشهود» نیست بلکه حمله به تجمعات قانونی و مزاحمت برای شرکت‌کنندگان در این تجمعات جرم است و مرتکبین آن اعم از افراد عادی جامعه و مأمورین نیروی انتظامی و امنیتی و نظامی، به تناسب عملی که انجام داده‌اند قابل تعقیب انتظامی و کیفری هستند. این دسته از متهمین حق دارند که از تمامی عوامل مستقیم و غیرمستقیم دستگیری و بازداشت خود و حتی از مقامات قضائی که بدون رعایت قانون آن‌ها را متهم یا محکوم کرده‌اند، شکایت کنند. بسیار دیده شده که در هنگام دستگیری شرکت‌کنندگان در تظاهرات، آن‌ها را مورد ضرب و شتم هم قرار می‌دهند. دستگیرشدگان حق دارند که به محض دسترسی به مقامات قضائی، درخواست اعزام به «پزشکی قانونی» نمایند و مدارک لازم برای طرح شکایت علیه ضاربین خود را جمع‌آوری کنند.

به خوبی می‌دانیم که همه این اطلاعات حقوقی در فضای امنیتی و جو رعب و وحشتی که توسط مأمورین و مسئولین جمهوری اسلامی در آن شرایط ایجاد می‌شود، صرفاً امری فانتزی و لوکس است. اما واقعیت اینکه همه این‌ها مقرراتی هستند که در کشور لازم‌الاجراست ولی حاکمین از انجام آن سرباز می‌زنند.

## ❓ حقوق متهم در جرایم غیر مشهود چیست؟

### الف) احضار متهم به مرجع قضائی

در جرایم غیر مشهود که پرونده در دادسرا مطرح و به یکی از شعب بازپرسی ارجاع می‌شود، متهم ابتدا با دریافت احضاریه‌ای از طرف بازپرس از جریان پرونده علیه خود مطلع می‌شود. در احضاریه که نام و نام خانوادگی فرد روی آن نوشته شده، به او اعلام می‌شود که باید ظرف مدت معینی خود را به عنوان متهم به بازپرسی معرفی کرده و به سؤالات بازپرس پاسخ دهد. در احضاریه تصریح می‌شود که او حق دارد در مراحل انجام تحقیقات، همراه با وکیل خود در بازپرسی یا دادیاری در جرائم سبک حاضر شود.

همچنین در احضاریه قید می‌شود که نتیجه عدم حضور متهم در موعد مقرر و بدون عذر موجه، جلب است. یعنی اگر متهم در روز آخر مهلت تعیین شده در احضاریه، در بازپرسی حاضر نشود و عذر موجهی هم مثل بیماری یا هر دلیل دیگری که خارج از اراده و خواست اوست نداشته باشد، بازپرس می‌تواند دستور جلب او را صادر کند. مدت زمانی که در احضاریه برای حضور متهم در بازپرسی یا دادیاری تعیین می‌شود نباید کمتر از ۵ روز باشد. یعنی بازپرس یا دادیار نمی‌تواند متهم را به بازپرسی یا دادیاری احضار کند و در آن بنویسد که مثلاً «طرف یکی - دو روز آینده در بازپرسی یا دادیاری حاضر شوید» یا بنویسد «به محض دریافت احضاریه همراه با مأمور مربوطه در بازپرسی یا دادیاری حاضر شوید.» این‌گونه احضاریه ماهیتاً حکم برگ جلب را دارد، هرچند که عنوان آن احضاریه باشد. چرا که یکی از دلایل ارسال احضاریه این است که به متهم فرصت داده شود تا به خواست و اراده خودش و به تشخیص خود در فاصله زمانی مناسبی که تعیین شده، به بازپرسی مراجعه کند و اگر قصد مشاوره حقوقی دارد بتواند در این فاصله زمانی به وکیل مراجعه و از او مشورت بگیرد یا با او قرارداد وکالت را قبل از حضور در بازپرسی تنظیم کند.<sup>۸</sup>

مأمور ابلاغ حق ندارد که از متهم بخواهد زمان حضورش در بازپرسی را در نسخه اول احضاریه - که به بازپرسی بر می‌گردد - اعلام کند و متهم هم چنین تکلیفی ندارد. احضار متهم برای دفعات بعد می‌تواند از طریق سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی مثل



پست الکترونیکی (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور و تلفن هم صورت بگیرد.<sup>۹</sup>

## ب) جلب یا دستگیری متهم

### تحت چه شرایطی متهم جلب می‌شود؟

دستگیری یا جلب متهم فقط با دستور و حکم خاص قضایی صورت می‌گیرد و این طور نیست که مقام قضایی در صدور جلب یا دستگیری متهم مختار و آزاد باشد. او برای صدور «برگ جلب» یا دستگیری متهم، مقید به قیودی است که قانونگذار برای صدور آن قائل شده است. از جمله اینکه قاضی نمی‌تواند بدون وجود دلایل کافی متهمی را حتی احضار کند، چه برسد به اینکه او را جلب کند. بنابراین در جرایم غیرمشهود، احضار و جلب و دستگیری متهم بدون «حکم مخصوص مقام قضایی» و بدون دلایل کافی، خلاف قانون است و می‌توان از مقام قضائی مربوطه برای عدم رعایت مقررات قانونی شکایت کرد.

پرونده‌هایی که در دادسرا مطرح می‌شوند یا مبتنی بر گزارش مأمورین و ضابطین دادگستری هستند، یا با شکایات شاکیان خصوصی به جریان افتاده‌اند. بعد از اینکه پرونده‌ای در دادسرا مطرح و برای انجام تحقیقات به یک شعبه بازپرسی، دادیاری یا دادگاه فرستاده شد، بازپرس یا دادیار یا قاضی مربوطه دلایل شکایت را بررسی می‌کند و در صورتی که تشخیص دهد دلایلی که در پرونده وجود دارد برای طرح شکایت و ورود اتهام به متهم کافی است، متهم را به وسیله ابلاغ احضاریه‌ای به دادسرا یا دادگاه احضار می‌کند و اگر متهم در موعد مقرر در بازپرسی حاضر نشود، در این صورت حکم جلب او را صادر می‌کند. بنابراین یکی از مواردی که قانون صدور برگ جلب را تجویز کرده، عدم حضور در مرجع قضائی - در موعد مقرر شده در احضاریه و بدون عذر موجه- است.

**توضیح:** اگر متهم به علت عذر موجه (مثل بیماری شدید، یا فوت یکی از نزدیکان) به رغم ابلاغ احضاریه نتواند در مرجع قضائی حضور پیدا کند، در این صورت قاضی حق جلب متهم را ندارد.

در بعضی موارد بازپرس یا قاضی پرونده می‌تواند ابتدا به ساکن و بدون احضار متهم به بازپرسی، دستور جلب او را بدهد.

◎ **مثال:** آقای کریمی شکایت می‌کند که مستأجرش آپارتمانی را که از او اجاره کرده، به مرکز فساد تبدیل کرده و دلایل کافی هم برای اثبات این ادعای خود ارائه می‌کند و بنا به دلایل متعددی احتمال فرار متهم نیز وجود دارد. در



این صورت اگر قاضی دستور جلب او را بدهد، باید در همان برگ جلب به طور مشخص اسم متهم و سایر مشخصات او را قید کند تا شخص دیگری به اشتباه دستگیر نشود. قاضی حق ندارد که در برگه جلب بنویسد «هرکس آن خانه را به مرکز فساد تبدیل کرده» جلب و دستگیر شود. این چنین برگ جلبی اعتبار قانونی ندارد، چون خلاف حکم قانونگذار است.

**\* نکته:** دادستان یا هیچ مقام قضائی دیگر حق ندارد در برگ جلب بنویسد «هرکس که در تظاهرات یا اغتشاشات شرکت داشته» جلب و دستگیر شود. این نحوه صدور برگ جلب، خلاف قانون است و اعتبار قانونی ندارد.

### حقوق متهم هنگام جلب

#### ❓ مأموری که متهم را جلب می کند، باید چه مقرراتی را رعایت کند؟

جلب متهم عمدتاً و در وضعیت معمول، توسط ضابطان عام دادگستری به عمل می آید. به طور معمول حکم جلب متهم در مواردی صادر می شود که متهم بدون عذر موجه، در موعد مقرر در احضاریه، در مرجع قضائی حاضر نشود. اما قانون در مواردی هم اجازه داده است که متهم ابتدا به ساکن (یعنی قبل از صدور و ابلاغ احضاریه به او) جلب شود.

بنابراین در خصوص جلب متهم نیز قانونگذار برای متهم حقوقی در نظر گرفته که عبارتند از:

۱. جلب متهم باید در طول روز به عمل بیاید، مگر اینکه فوریت داشته باشد و تشخیص فوریت با قاضی است. در این صورت قاضی که برگ جلب را به قید فوریت صادر می کند مکلف است موجبات فوریت و ضرورت جلب متهم در شب را در صورتجلسه درج و اعلام کند.


۲. در هنگام جلب، مأمورین حق ندارند وارد منزل یا محل کار متهم شوند. مگر اینکه در برگ جلب صادره دستور ورود به محل حضور او (که در اصطلاح «مخفیگاه» گفته می شود) نیز صادر شده باشد.<sup>۱۰</sup>

۳. برگ جلب زمانی صادر می شود که از قبل احضاریه ای برای متهم فرستاده شده باشد و با وجود اطلاع متهم از احضار، در حالی که هیچ عذر موجهی هم برای عدم

حضورش نداشته، در بازپرسی یا دادگاه حاضر نشده باشد. مأمور جلب با در دست داشتن برگ جلب متهم، او را دعوت می‌کند که همراهش به مرجع قضائی یا نزد بازپرس برود. اگر متهم از همراهی مأمور جلب خودداری کند، مأمور او را جلب کرده و تحت‌الحفظ نزد بازپرس می‌برد. جلب متهم باید در روز صورت بگیرد و در همان روز هم بازپرس وظیفه دارد تا به محض اینکه مأمورین متهم جلب‌شده را در بازپرسی حاضر کردند، تکلیف او را روشن کند. اهمیت تعیین تکلیف متهم جلب‌شده در همان روز تا حدی است که حتی اگر جلب متهم بعد از ساعت کاری بازپرس صورت گیرد، قاضی کشیک باید تکلیف او را روشن کند. منظور از اینکه «باید تکلیف متهم روشن شود» این است که نوع اتهام و دلایل آن به متهم ابلاغ و تفهیم شود، و سپس نسبت به آزادی بدون قید و شرط او تصمیم گرفته شود یا اینکه برای او قرار تأمین صادر شود.

۴. ضابطان باید بلافاصله بعد از جلب متهم، او را نزد بازپرس یا دادیار ببرند و در صورتی که زمانی دیرتر متهم را به بازپرسی یا دادیاری تحویل دهند باید علت تأخیر و مدت زمانی که متهم را نزد خود نگهداری کرده‌اند را در پرونده درج کنند. آن‌ها حق ندارند بدون دستور بازپرس یا مقام قضائی مربوط، متهم را نگهداری کنند. چنانچه به هر دلیلی بلافاصله به بازپرس یا دادیار دسترسی نداشتند، باید در اولین وقت اداری او را نزد بازپرس یا دادیار ببرند. زمان دستگیری متهم تا تحویل او به بازپرس یا دادیار نباید بیشتر از ۲۴ ساعت باشد.<sup>۱۱</sup>

## ← استثنائات شرایط عمومی برگ جلب

در چه شرایطی بازپرس می‌تواند دستور جلب متهم در شب را بدهد؟ 

تحت شرایطی ممکن است که جلب متهم در شب انجام شود. در این صورت اگر بازپرس یا قاضی تشخیص دهد لازم و ضروری است که جلب متهمی در شب صورت بگیرد، باید دلایل ضرورت جلب متهم در شب را قید و در پرونده درج کند. موارد ضرورت بستگی به: اهمیت جرم، وضعیت متهم، کیفیت ارتکاب جرم و احتمال فرار متهم دارد.

◎ **مثال:** شخصی به چندین فقره کلاهبرداری از چندین نفر متهم شده است و دلایل کافی هم برای احضار یا جلب او وجود دارد. البته همه شکات در شکایت‌شان

قید کرده‌اند که او محل کار معینی ندارد و آن‌ها فقط نشانی محل زندگی متهم را دارند؛ ولی او طی روز بیرون از منزل است و فقط شب‌ها در خانه و نزد خانواده‌اش است. بازپرس یا دادیار باید اول تحقیقات لازم را از شکات به عمل آورد و بعد از اینکه مطمئن شد آن‌ها راست می‌گویند، می‌تواند دستور دهد که او را در شب جلب و به بازپرسی اعزام کنند.

### در چه شرایطی بازپرس می‌تواند بدون احضار متهم دستور جلب او را بدهد؟

ممکن است که متهم بی جا و مکان باشد. در این مورد هم بازپرس ابتدا باید تحقیقات لازم را برای شناسایی محل سکونت، محل خواب یا محل کار او به عمل آورد و اگر به نتیجه نرسید، می‌تواند برگ جلب متهم را برای مدت معینی صادر کند و آن را در اختیار شاکی یا ضابطین دادگستری قرار دهد تا هر وقت و هر جا که او را دیدند، جلب و به بازپرسی انتقال دهند.

◎ **مثال:** علیه فرشته شکایت شده که به عنوان مدیرعامل یک شرکت سهامی خاص، چندین فقره چک بلامحل صادر کرده بدون آنکه از مهر شرکت هم استفاده کند. از طرف دیگر، او از مدیرعاملی شرکت استعفاء داده و از شرکت خارج شده است. تنها نشانی شاکی از او، نشانی است که بانک از فرشته دارد. اما چندین مرتبه که شاکی به آن نشانی مراجعه کرده به او گفته شده است که فرشته از آنجا نقل مکان کرده. در این صورت بازپرس می‌تواند برگ جلب متهم را برای مدت معینی صادر و در اختیار شاکی قرار دهد.<sup>۱۲</sup>

### حقوق متهم پس از احضار یا جلب

#### متهم بعد از احضار به بازپرسی یا جلب چه حقوقی دارد؟

در جرایم غیرمشهود که متهم با حکم مخصوص مقام قضائی به بازپرسی یا دادپاری احضار یا جلب می‌شود، همه مراحل تحقیقات باید توسط شخص بازپرس انجام شود. بازپرس باید کاملاً بی‌طرف باشد. او نباید خود را در مقامی قرار دهد که در تحقیقاتی که انجام می‌دهد به دنبال کشف مجرمیت متهم باشد. بازپرس باید در تحقیقاتش به دنبال

کشف حقیقت باشد، اعم از اینکه نتیجه این تحقیقات بی‌گناهی یا مجرمیت متهم باشد. بازپرس می‌تواند در برخی از موارد اتهامی، انجام قسمتی از تحقیقات را به ضابطین ارجاع کند. در این صورت او باید بر چگونگی انجام تحقیقات توسط ضابطین، نظارت داشته باشد.


## الف) تفهیم اتهام و دلایل آن

آنچه که باید در اولین اقدام از ناحیه ضابط دادگستری رعایت شود این است که بلافاصله موضوع اتهام را به طور کتبی و با ذکر دلایل آن، به متهم ابلاغ و تفهیم کند.<sup>۱۳</sup> پس یکی از مهم‌ترین حقوق هر متهم (حتی متهمی که در صحنه وقوع جرم و در معرض دید مأمورین دستگیر شده) این است که بلافاصله و به طور کتبی، نوع اتهام و دلیل یا دلایل آن به وی تفهیم شود. یعنی فرد دستگیر شده یا متهم باید از همان ابتدای امر بداند که به چه دلیلی و به چه نوع جرمی مورد اتهام واقع شده است. بنابراین یکی از مهم‌ترین حقوق متهم، «تفهیم اتهام» و اعلام دلایل آن به طور کتبی به اوست؛ تا با آگاهی از نوع اتهام و دلایل آن، به دفاع از خود بپردازد.

◎ **مثال:** اگر کسی در تاریخ معینی، مثلاً مورخه ۱۳۷۶/۰۶/۹ در منزل شخصی کشته شده باشد و معلوم شود اسلحه‌ای که مقتول با آن کشته شده، متعلق به صاحب‌خانه است؛ مأمورین صاحب اسلحه را دستگیر کرده و به او تفهیم می‌کنند که: «متهم هستی به قتل. دلیلش هم اینکه (۱) جسد در منزل شما پیدا شده و (۲) وسیله‌ای که مقتول با آن کشته شده متعلق به شماست.» حال اگر متهم در آن تاریخ در مسافرت بوده و دلیل هم داشته باشد، مثلاً با چند نفر از دوستانش بوده یا رسید اقامت در هتلی را دارد و شهودی هم هستند که گواهی کنند او را در روز و زمان قتل در آن شهر یا هتل دیده‌اند؛ وقتی از اتهام و دلایل اتهاماتش آگاه شد می‌تواند با ارائه دلیل ثابت کند که در زمان وقوع قتل در منزل و در شهر محل واقعه نبوده است. در اینجا دست کم معلوم می‌شود که شخص دیگری در آن تاریخ همراه با مقتول در منزل متهم بوده و از اسلحه او که در محلی از خانه جاسازی شده بوده، برای کشتن مقتول استفاده کرده است. به این ترتیب با رعایت مقررات قانونی مذکور، سر بی‌گناهی بالای دار نمی‌رود و امکان دفاع برای افراد بی‌گناه میسر می‌شود.

✳️ نکته: منظور از «تفهیم اتهام» این نیست که به متهم مثلاً گفته شود «تو متهم هستی به ارتکاب فلان جرم»؛ بلکه باید به طور روشن بگویند که چه عملی انجام داده و عمل او مصداق کدام ماده قانونی است که جرم شناخته شده و مجازات معینی دارد.

## ب) حق استفاده از وکیل

آیا متهم حق دارد تا وقتی که وکیلش حاضر نشود از جواب دادن به سؤالات بازجویی خودداری کند؟ 

همان‌گونه که قانونگذار اجازه داده تا در مواقع خطر جانی یا مالی، هر شخصی بتواند با رعایت شرایط قانونی از خود دفاع کرده و خطر را از خود دور کند، در امور حقوقی نیز چنان‌چه شخصی با حمله‌ای مواجه شود (یعنی دعوایی کیفری یا حقوقی علیه وی مطرح شود) حق دارد با استفاده از ابزارهای مناسب قانونی از حقوق خود دفاع کند. به عبارت دیگر چون در این صورت حمله انجام‌شده به چنین شخصی (مثل ایراد اتهام) با توجه به ابزارهای قانونی صورت می‌گیرد و به طور معمول اشخاص غیرمتخصص در امور حقوقی با مسائل قانونی و زیر و بم‌های حقوق خود آشنا نیستند؛ باید امر دفاع را هم کسی به عهده بگیرد که آشنا با مسائل حقوقی و مسلط به قوانین کشور است تا بتواند دفاعی مناسب حمله (یعنی ایراد اتهام) به عمل آورد. یعنی انتخاب وکیل در واقع برای استیفای «حق دفاع» است که از حقوق اولیه هر شهروند ایرانی محسوب می‌شود و فقط وکیل دادگستری می‌تواند چنین حقی را به نحو احسن استیفاء کند.

به همین دلیل در اغلب سیستم‌های حقوقی مدرن جهان امروز، همراه داشتن وکیل در تمامی مراحل تحقیق و رسیدگی، از حقوق اساسی هر شخص است. در قانون آئین دادرسی کیفری ما نیز چنین حقی برای طرف‌های دعوا در نظر گرفته شده و همه اشخاص و مقامات مرتبط با متهم مکلف هستند که پیش از شروع به تحقیق، به متهم ابلاغ و تفهیم کنند که حق دارد یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. باز پرس وظیفه دارد این حق را در برگه احضاریه متهم نیز به او اعلام کند. هر مقام قضائی که این حق را به متهم اعلام و تفهیم نکند یا از حضور وکیل متهمی در تحقیقات جلوگیری کند، از نظر انتظامی تخلف کرده و متهم یا وکیلش می‌توانند از او شکایت کنند.

در «قانون حفظ حقوق شهروندی» دادسرا مکلف شده که اگر متهمی وکیل نداشت و بخواهد وکیل داشته باشد، برای او امکانات استفاده از وکیل را فراهم کند.<sup>۱۴</sup> در جرایم مهمی که مجازات قانونی آن سلب حیات (مثل اعدام، قصاص، یا حبس ابد)

است، بازپرس مکلف شده که حتی اگر متهمی وکیل نداشته باشد یا نخواهد وکیلی را معرفی کند، بازپرس برای او «وکیل تسخیری» بگیرد. هرچند که در این جرایم و نیز در جرایم امنیتی، متهم در مرحله تحقیقات فقط می‌تواند از میان «وکلائی مورد وثوق رئیس قوه قضائیه» وکیل خود را انتخاب کند. تحمیل وکیل مورد وثوق رئیس قوه قضائیه به متهم در مرحله تحقیقات، از موارد نقض حقوق دفاعی اوست.

## پ) منع تهدید و شکنجه متهم

### در اینجا ۲ سؤال مطرح می‌شود:

۱. آیا مقام قضایی یا کسی که با دستور مقام قضایی تحقیقات می‌کند، حق دارد هر گونه سؤالی که خودش لازم می‌داند مطرح کند؟
۲. آیا مقام قضایی یا کسی که با دستور مقام قضایی تحقیقات به عمل می‌آورد، حق دارد پاسخ سؤالاتش را به هر طریقی که لازم می‌داند از متهم بگیرد؟

در پاسخ به سؤالات مطرح شده باید گفت یکی از مواردی که مراجع تحقیق و قضات در رسیدگی و تحقیقات باید مورد توجه قرار دهند تا متهم در کمال آزادی اراده و اختیار، پاسخ سؤالات مطروحه را داده و دادسرا یا دادگاه را به سمت حقیقت راهنمایی کند، این است که:

◆ قاضی یا مقام تحقیق، تحت هیچ عنوانی و در هیچ شرایطی حق ندارد هر گونه سؤالی که به نظر خودش لازم است را مطرح کند؛ بلکه سؤالی که از متهم می‌شود باید در ارتباط با موضوع اتهام باشند. قاضی حق ندارد از متهم سؤالی غیرمرتبط با موضوع اتهام او بپرسد.

منظور از سؤالی غیرمرتبط با موضوع اتهام، سؤالی است که پاسخ به آن‌ها هیچ تاثیری در کشف حقیقت و اتهام وارد ندارد.

◎ **مثال:** در پرونده‌ای که موضوع آن سرقت است، از متهم راجع به «شرب خمر» سؤال و تحقیق شود.

◆ قاضی یا مقام تحقیق حق ندارد سؤالی درباره «گذشته» یا مسائل خصوصی متهم - که بی‌ارتباط با موضوع اتهام است - طرح کند. مثل اینکه از متهم بپرسد «آیا در سال‌های پیش، به خارج از کشور سفر داشته‌ای یا نه؟» یا بپرسد «آیا تاکنون رابطه

نامشروع داشته‌ای یا نه؟» این گونه سؤال‌ها، پرسش‌های غیرمفید و غیرمرتبط با موضوع اتهام هستند که پاسخ آن‌ها هیچ تأثیری در رسیدن قاضی به حقیقت ندارد.

◆ قاضی یا مقام تحقیق حق ندارد طوری از متهم سؤال و تحقیق کند که در واقع پاسخ آن را به متهم القاء و تلقین کند.

◎ **مثال:** قاضی یا مقام تحقیق حق ندارد از متهمی که از اصل منکر سرقت است بپرسد «مال مسروقه را به چه کسی فروختی؟» این گونه سؤال، القایی یا تلقینی است و قانونگذار طرح این نوع سؤال‌ها را ممنوع کرده است.

◆ قاضی یا مقام تحقیق حق ندارد متهم را اغفال کرده و با فریب‌دادن متهم، او را وادار به پاسخگویی کند.

◎ **مثال:** به متهم بگوید «اگر این سؤال را پاسخ بدهی و اتهام را قبول کنی، در مجازاتت تخفیف داده می‌شود.» یا «اگر اتهام را بپذیری، پرونده را می‌بندم و آزاد می‌شوی.» یا اینکه به متهم می‌گویند «اگر مقابل دوربین بنشینی و به همه این جرایمی که متهم شده‌ای اقرار کنی، آزاد می‌شوی.» مواردی دیده شده که متهم با این وعده و وعیدهای بازجویان، مقابل دوربین تلویزیون نشسته و دستورات بازجویان را اجرا کرده و بعد هم به همان اتهامات، سنگین‌ترین احکام را گرفته است. حتی مواردی بوده که شخص بی‌گناهی صرفاً به خاطر اقرار علیه خود، اعدام شده است.

✳ **نکته:** باید توجه داشت که اقرار متهم زمانی برای بازجویان یا مقامات قضائی ضرورت پیدا می‌کند که هیچ دلیل دیگری برای اثبات جرم متهم در پرونده نباشد و بخواهند با توسل به اقرار، او را محکوم کنند.

◆ قاضی یا مقام قضایی حق ندارد در مورد عقاید و نظرهای متهم در موارد خاصی سؤال کند، زیرا این گونه سؤال‌ها جنبه «تفتیش عقاید» دارند و طرح آن‌ها ممنوع است.

◎ **مثال:** از متهم بپرسند «نظرت در مورد فلان مقام مملکتی چیست؟» یا اینکه «آیا در نماز جمعه شرکت می‌کنی؟ تابع چه مذهبی هستی؟» و از این قبیل سؤال‌ها که جنبه تفتیش عقاید دارند.



## آیا قاضی یا مقام تحقیق حق دارد از هر طریقی که لازم می‌داند به حقیقت برسد؟

لازم به یادآوری است که هرگونه تهدید یا شکنجه متهم و اجبار او به پاسخ‌دادن، ممنوع است و قاضی یا هر کسی که با دستور قضایی از متهم تحقیق می‌کند حق ندارد از هر راهی که تشخیص می‌دهد پاسخ سؤال‌هایش را به دست آورد. به عبارت دیگر و به اصطلاح حقوقدانان «تحصیل دلیل از طرق غیرقانونی ممنوع است.» از آنجایی که تهدید، شکنجه، اجبار و اغفال متهم به پاسخگویی، طرح سؤالاتی که تلقینی و القایی هستند یا طرح سؤال‌هایی که غیرمفیدند و ارتباطی با موضوع اتهام ندارند، طبق قانون منع شده است و طرح آن‌ها غیرقانونی است؛ پس «تحقیقاتی که بدون رعایت این موارد انجام شود غیرمعتبر است» و قاضی دادگاه نمی‌تواند در هنگام صدور رأی به آن‌ها توجه کند. اگر رأی بدون رعایت این موارد صادر شود، در مراحل تجدیدنظر و در مراجع بالاتر قابل نقض است.<sup>۱۵</sup>

## ت) رعایت حق سکوت

### آیا متهم می‌تواند از پاسخ به سؤال‌هایی که در بازجویی یا بازپرسی و دادگاه از او می‌شود خودداری کند؟

به عبارت دیگر آیا متهم می‌تواند از پاسخ به سؤال‌ها طفره برود؟ پاسخ اینکه یکی از حقوق حقه هر متهم در این قبیل موقعیت‌ها «حق سکوت» است. یعنی متهم حق دارد پاسخ سؤال‌ها را ندهد و سکوت کند. در این‌گونه موارد مرجع قضایی حق ندارد او را وادار به پاسخگویی کند، بلکه فقط مکلف است سکوت متهم را صورتجلسه کرده و برای کشف حقیقت، درباره ادله دیگر تحقیق کند.<sup>۱۶</sup>

## ث) رعایت حرمت و کرامت فرد دستگیر شده

### آیا بازجو می‌تواند متهم را تحت فشار قرار دهد؟

نه! اعمال هرگونه شکنجه در بازجویی‌ها ممنوع است. نگهداری متهم در «سلول انفرادی» و تحقیق و بازجویی از او در شرایط فشار و غیرعادی مثل: بازجویی با چشم‌بند

یا دست و پای بسته، یا تحقیق و بازجویی در شب آن هم برای مدتی طولانی به نحوی که مانع خواب متهم شود، و استفاده از کلمات توهین‌آمیز در بازجویی‌ها «شکنجه» قلمداد شده و خلاف مقررات قانونی است.

رعایت حرمت و «کرامت انسانی» همه متهمین، از وظایف اساسی مأمورین و متصدیان تحقیق است. بنابراین مأمورین و کسانی که کار تحقیق از متهم را انجام می‌دهند، حق ندارند متهم را در شرایطی قرار دهند که حرمت و کرامت انسانی او تضییع شود؛ بلکه تکلیف دارند با متهم طوری رفتار کنند که شخصیت انسانی او حفظ شود، زیرا همان‌طور که گفتیم متهم کسی است که هنوز جرم او اثبات نشده و ممکن است حتی بعد از پایان تحقیقات، حکم برائت او صادر شود. هرچند که اگر مجرم شناخته شود هم باز مأمورین حق ندارند با او به صورت غیرانسانی رفتار کنند و نیز تا زمانی که حکم قطعی علیه کسی صادر نشده و ثابت نشده است که مجرم بوده، هیچ‌یک از مقامات قضایی حق ندارند اتهام او را افشا و به آبرو و حیثیت فرد لطمه وارد کنند.

### ❓ چه مواردی باید به دقت روی برگه بازجویی نوشته شود؟

در بازجویی‌ها باید تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی در اوراق صورت‌مجلس قید شود و به امضاء یا اثر انگشت متهم برسد. پس متهم در موقع امضای برگه‌های صورت‌جلسه بازجویی و کلاً هر برگه‌ای که می‌خواهد امضاء کند، باید همه آنچه که در صورت‌جلسه نوشته شده را به خوبی و با دقت بخواند و اگر متوجه شد که مطلبی نادرست نوشته شده، از بازجو یا بازپرس بخواهد که قبل از امضاء، آن را اصلاح کند.

📌 **مثال:** ممکن است بازجویی در ساعت ۸ شب شروع و در ۱۲ شب تمام شده باشد، اما در صورت‌جلسه ساعت شروع بازجویی ۱۰ صبح و اتمام آن ۱۲ ظهر قید شود. در این صورت متهم نباید برگه بازجویی را امضاء کند تا این ایراد برطرف و زمان دقیق نوشته شود. گاهی ممکن است متهم توسط بازجویان تحت فشار قرار بگیرد تا حتماً صورت‌جلسه را با همان وضعیت امضاء کند. در این صورت متهم باید خودش زیر برگه بازجویی ساعت صحیح شروع و اتمام بازجویی و مدت آن را بنویسد و بعد آن را امضاء کند؛ در غیر این صورت نمی‌تواند در دادگاه ادعا کند که بازجویی‌هایش در شرایط قانونی و با رعایت قوانین نبوده است.

بازجویی از متهم باید در شرایطی به عمل آید که متهم هیچ فشاری بر روی خود حس

نکند. از این رو حتی زمانی که متهم برای تکمیل تحقیقات تحت نظر قرار می‌گیرد، مأمورین تحقیق (ضابطان) باید در صورت مجلس بازجویی علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قاضی معرفی شده است را قید کنند و آن را به امضاء یا اثر انگشت متهم برسانند.<sup>۱۷</sup>

### ج) ممنوع بودن استراق سمع و شنود مکالمه‌های تلفنی متهم

❓ آیا بازجویان می‌توانند مکالمات متهم را شنود کنند؟

از دیگر حقوق متهمین، مصون و محفوظ بودن مکالمه‌های تلفنی و نوشته‌های آن‌ها از کنترل و دید دیگران است. به این معنی که هیچ‌کس حق ندارد تلفن او را کنترل کند، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا مواردی که برای کشف جرایم مهمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات یا حبس ابد است، لازم تشخیص داده شود. در این صورت هم باید مدت و دفعات کنترل مکالمات اشخاص تعیین شود و رئیس کل دادگستری استان هم با آن موافقت کند.<sup>۱۸</sup>

✳️ نکته: قاضی یا هیچ‌کس دیگر حق ندارد به منظور ساختن دلیل، دستور بدهد مکالمه‌های شخصی شنود و کنترل شود. اگر در موردی این کار انجام شود و با کنترل و شنود تلفن کسی علیه او دلیل درست کنند، چون این دلیل از راه غیرقانونی به دست آمده است از نظر قانونی معتبر نیست و کسی که چنین دستوری داده متخلف است.


### چ) تفتیش و بازرسی منزل یا اماکن بسته و تعطیل

تفتیش و بازرسی منازل یا اماکن بسته و تعطیل هم می‌تواند یکی از مراحل تحقیقات باشد که توسط بازپرس به عمل می‌آید. اما در قانون برای صدور دستور تفتیش محل، شرایطی گذاشته شده که کار را برای بازپرس یا هر مقام قضائی دیگر سخت کرده است. تفتیش محل معمولاً یا برای دستگیری متهم است یا برای جمع‌آوری و ضبط آلات و ادوات و ادله ارتکاب جرم انجام می‌شود و وقتی هر دوی این اسباب مهیا باشد، دلیلی بر تفتیش و بازرسی محل نیست. ضمن اینکه بازپرس در هنگام صدور دستور تفتیش محل، باید نسبت به اینکه می‌تواند با انجام این تفتیش و بازرسی به متهم یا اسباب و آلات و ادله جرم دسترسی پیدا کند ظن قوی داشته باشد.


منظور از «ظن قوی» این است که اگرچه بازپرس صد در صد مطمئن نیست ولی از اوضاع و احوال و شواهد موجود، یقین دارد که متهم یا دلایل جرم در محلی است که باید مورد بازرسی و تفتیش قرار بگیرد.

اما از طرف دیگر ممکن است تفتیش محل موجب نقض «حریم خصوصی» متهم و خانواده‌اش یا سایر اشخاصی شود که با او زندگی یا کار می‌کنند. در این موارد هم بدیهی است که بازپرس در صورتی مجاز به صدور دستور تفتیش محل است که دسترسی به متهم یا کشف آلات و ادوات جرم و ادله آن مهم‌تر از حقوق افراد مرتبط و درگیر با این دستور باشد. به عبارت دیگر حفظ نظم عمومی و حقوق و منافع جامعه در اولویت باشد. بنابراین بازپرس باید هنگام صدور دستور تفتیش منزل اشخاص به همه این موارد توجه داشته باشد و در صورت جلسه‌ای، هم لزوم و اهمیت تفتیش و هم ظن قوی یا یقین خود بر حضور متهم یا وجود آلات و ادوات جرم در محل را قید کند.

### ◀ شرایط صدور دستور تفتیش

آیا مأموران می‌توانند با یک دستور کلی، محل زندگی یا کار اشخاص را تفتیش و بازرسی کنند؟ 

هیچ مقام قضائی حق ندارد یک دستور کلی برای ورود به منازل مردم یا اماکن بسته صادر کرده و تفتیش و بازرسی آن‌ها را بخواهد. دستور تفتیش محل باید موردی و موضوعی باشد. بازپرس باید در دستور خود اسم و مشخصات متهم را واضح و روشن قید کند. همچنین زمان، دفعات ورود به محل، اموال، اماکن و نشانی آن‌ها را تعیین کند.

آیا مأمورین می‌توانند خودشان زمان ورود به منزل اشخاص برای تفتیش و بازرسی را تعیین کنند؟ 

نه! بازرسی باید در طول روز به عمل آید. مگر اینکه ضرورتی اقتضا کند که بازرسی در شب انجام شود. در صورت صدور دستور بازرسی در شب، بازپرس باید دلیل ضرورت این اقدام را در صورت جلسه قید و در پرونده درج کند. منظور از روز، طلوع آفتاب تا غروب آن است و مأمورین حق ندارند قبل از طلوع آفتاب یا بعد از غروب اقدام به بازرسی محل نمایند.

◎ **مثال:** حسن به اتهام سرقت دستگیر می‌شود و در تحقیقات بازپرسی منکر

وجود اموال مسروقه نزد خودش است. اما چند نفر که به عنوان مطلع در بازپرسی حاضر شده‌اند، از انباری خبر می‌دهند که حسن اموال مسروقه را در آنجا نگهداری می‌کند. بازپرس با بررسی همه شواهد و قرائن، یقین پیدا می‌کند که لازم است انبار مورد نظر مورد تفتیش و بازرسی قرار بگیرد. ولی با تحقیقاتی که انجام می‌دهد معلوم می‌شود آنجا در تصرف شخصی به اسم سلمان است. بازپرس دستور تفتیش محل را صادر کرده و در آن به مأمورین دستور می‌دهد که بازرسی باید در هنگام روز، با کسب اجازه از متصرف و در حضور او، و فقط برای یک نوبت صورت بگیرد و نیز در طول بازرسی محل از ورود و خروج اشخاص جلوگیری شود. او صورت اموال مسروقه مورد ادعای شکات را ضمیمه دستورش می‌کند. مأمورین به محل مراجعه می‌کنند، خود را معرفی کرده و کارت شناسایی خود و دستور بازرسی محل را به متصرف (سلمان) نشان می‌دهند و محترمانه به او توضیح می‌دهند که برای تفتیش و بازرسی از محل آمده‌اند. سلمان در را به روی مأمورین باز می‌کند و به آن‌ها اجازه ورود به محل را می‌دهد. در محل علاوه بر اموال مسروقه، اموال و از جمله اسناد و مدارک شخصی خود حسن هم موجود است. اما مأمورین بر اساس تکلیفی که دارند متعرض اموال شخصی حسن نمی‌شوند. آن‌ها در بازرسی از محل فقط اموال مسروقه را شناسایی، ضبط و صورتجلسه می‌کنند و این صورتجلسه را که در ۲ نسخه تهیه کرده‌اند به امضای سلمان می‌رسانند و یک نسخه از آن را هم به او تحویل می‌دهند.

هنگام مراجعه مأمورین به محل، برخی از شکات هم در آنجا حضور داشته و قصد دارند که همراه با مأمورین وارد محل شوند. اما سلمان از ورود آن‌ها به محل جلوگیری می‌کند. شکات نمی‌توانند بدون اجازه متصرف وارد محل شوند.<sup>۱۹</sup>

◎ **مثال دیگر:** شهلا به اتهام «اقدام علیه امنیت» دستگیر شده. در حالی که او در بازداشتگاه است، مأمورین به منزل او مراجعه کرده و بعد در گزارشی که تهیه می‌کنند، اعلام می‌کنند که چند بسته مواد مخدر از منزل او کشف شده است. با این گزارش پرونده دیگری علیه شهلا تشکیل می‌شود و این‌بار او به نگهداری و فروش مواد مخدر متهم می‌شود. در این پرونده نه تنها عمل مأمورین و بازپرس پرونده خلاف قانون است و شهلا می‌تواند از همه آن‌ها شکایت کند، بلکه باید فوراً قرار منع تعقیب شهلا نسبت به نگهداری مواد مخدر صادر شود. زیرا موضوع بازرسی منزل شهلا که به اتهام اقدام علیه امنیت در بازداشتگاه نگهداری می‌شود

و کس دیگری هم در خانه‌اش سکونت ندارد، از مواردی نیست که بازرسی و تفتیش منزل او فوریت داشته باشد. در واقع مأمورین با تعجیل در بازرسی محل - آن هم بدون حضور هیچ‌یک از متهم و متصرف محل - در حالی اقدام به بازرسی کرده‌اند که تنها دلیل‌شان برای اثبات وجود مواد مخدر در منزل شهلا، ادعای خودشان است. تنها دلیل مأمورین از نتیجه‌ای که در بازرسی گرفته‌اند، ادعای خودشان است که درستی همین ادعا هم نیاز به اثبات دارد. این شیوه بازرسی و این رفتار آن‌ها مصداق بارز «اقدام به تحصیل دلیل از راه غیرقانونی» است.

## ح) اخذ آخرین دفاع

### ❓ آخرین دفاع یعنی چه؟

پس از رعایت تمامی حقوق متهمین و پایان امر تحقیقات و رسیدگی، یکی دیگر از مهم‌ترین حقوق متهم در مرحله تحقیق و تعقیب و رسیدگی (در دادسرا و دادگاه) اخذ «آخرین دفاع» از متهم است.

پس از اخذ آخرین دفاع از متهم دیگر هیچ‌گونه ادعایی در خصوص اتهامی که نسبت به آن، آخرین دفاع اخذ شده است پذیرفته نمی‌شود. به عبارت دیگر در جلسه‌های تحقیق و رسیدگی، متهم آخرین فردی است که در دفاع از خود اظهاراتی را بیان می‌کند و بعد از این مرحله، دادسرا با اعلام ختم تحقیقات مبادرت به صدور قرار (اعم از منع پیگرد، موقوفی تعقیب، یا مجرمیت) می‌کند و دادگاه نیز با اعلام ختم دادرسی، مبادرت به صدور قرار موقوفی تعقیب، حکم برائت یا محکومیت می‌کند.

به زبان ساده‌تر باید گفت بعد از اینکه تحقیقات تمام و همه دلایل و مدارک شاکه بررسی و دفاعیات متهم شنیده شد، آخرین حرف در دادسرا و دادگاه را متهم می‌زند. یعنی قاضی باید دوباره به متهم بگوید که «اتهام شما این است (مثلاً: شما متهم به کلاهبرداری هستید) و دلایل اتهام شما این است (مثلاً: چاپ آگهی در روزنامه به عنوان شرکتی که افراد را به خارج از کشور اعزام می‌کند و اینکه مدارک شاکه دلالت می‌کند که شما از او پول گرفته‌اید) حالا آخرین دفاع شما در مقابل این اتهام و دلایل ارائه شده چیست؟» به این می‌گویند «اخذ آخرین دفاع» که باید قبل از اینکه دادگاه یا دادسرا آخرین تصمیم را بگیرد از متهم بخواهد که برای آخرین بار از خودش دفاع کند و بعد از آن، ختم تحقیقات یا رسیدگی را اعلام کرده و رأی بدهد.

## خ) حقوق متهم بازداشت‌شده

### ❓ متهمی که بازداشت و به بازداشتگاه اعزام می‌شود چه حقوقی دارد؟

قانوناً ۲ دسته متهم بازداشت‌شده داریم. منظور از متهم بازداشت‌شده، متهمی است که با اینکه برای او قرار وثیقه یا قرار کفالت صادر شده، نتوانسته وثیقه را تودیع یا کفیل را معرفی کند و به همین دلیل تا موقع تودیع وثیقه یا معرفی کفیل باید در بازداشت بماند. در جرایم عادی مثل کلاهبرداری یا سرقت، شرایط متهمین بازداشت‌شده به شرح زیر است:

۱. در بازداشتگاه موقت نگهداری می‌شوند. مسئولان بازداشتگاه فقط باید با دستور کتبی مقامات قضائی، افراد را در بازداشتگاه پذیرش و نگهداری کنند. آن‌ها نمی‌توانند افراد را بدون دستور کتبی مقامات قضائی در بازداشتگاه پذیرش کنند. حتی اگر دستوردهنده رئیس قوه قضائیه هم باشد دستور او برای مسئولین بازداشتگاه غیرقابل اجراست.

۲. متهمین بازداشت‌شده به خاطر عجز از تأمین قرار، فقط برای یک ماه در بازداشتگاه موقت پذیرش و نگهداری می‌شوند. بعد از یک ماه چنانچه متهم همچنان قادر به تأمین قرار نباشد، یا باید بازپرس قرار او را تخفیف دهد یا اینکه او را به بازداشتگاه عمومی منتقل می‌کنند. البته بازپرس می‌تواند برای یک ماه دیگر نگهداری او را در بازداشتگاه تمدید کند. در این صورت باید موافقت شورای تشخیص بازداشتگاه کسب شود.

۳. در مدتی که متهم در بازداشتگاه موقت نگهداری می‌شود می‌تواند کتاب، نشریات و روزنامه خریداری کرده و از تلفن همراه و رایانه شخصی خود استفاده کند. او در تمام مدت بازداشت حق ملاقات با وکیل، خانواده، دوستان و آشنایان خود را دارد؛ مگر اینکه بازپرس کتباً و صریحاً او را از ملاقات با بستگان یا دیگر افراد - غیر از وکیلش - منع کند.<sup>۲۰</sup>

یک دسته از متهمین هم هستند که ابتدا به ساکن، با قرار بازداشت موقت روانه بازداشتگاه‌ها می‌شوند که به آن‌ها «متهم بازداشت‌شده» گفته می‌شود.

### ❓ آیا لازم است که قرار تأمین (مثل کفالت و وثیقه یا بازداشت) به متهم ابلاغ شود؟

بله. همه قرارهای تأمین اعم از کفالت و وثیقه و قرار بازداشت موقت باید به متهم ابلاغ

شود و در قراردادهای کفالت و وثیقه در اولین فرصت به او امکان و فرصت ارتباط با خانواده و بستگانش داده شود تا از آن‌ها بخواهد که تأمین مورد نظر بازپرس را در دادسرا تودیع کنند. مثلاً اگر قرار است که متهم کسی را به عنوان کفیل معرفی کند، خانواده این امکان را زودتر برای او فراهم کنند یا اگر قرار است که متهم با تودیع وثیقه آزاد شود، خانواده یا بستگان او در جریان قرار بگیرند و به دنبال تودیع وثیقه و آزادی او باشند.

اگر متهمی که برایش قرار کفالت یا وثیقه صادر شده ولی امکان برقراری ارتباط با خانواده یا بستگانش فراهم نمی‌شود، باید در اولین فرصت که نزد بازپرس می‌رود این امر را در صورتجلسه بازپرسی بنویسد و به وضعیت پیش‌آمده اعتراض کند تا بعداً بتواند از بازپرس و مأمورین خاطی شکایت کند.

در مورد قرار بازداشت هم باید این قرار کتباً به متهم ابلاغ و در آن اعلام شود که او حق دارد ظرف ۱۰ روز به قرار بازداشت موقت اعتراض کند. لازمه اعتراض متهم به قرار بازداشت این است که بازپرس، پرونده را در اختیار متهم و وکیلش قرار دهد تا با اطلاع از محتویات پرونده و دلایل بازپرس بتوانند به طور مستدل و مستند به مواد قانونی، به قرار بازداشت اعتراض کنند.

### آیا بازپرس یا قاضی می‌تواند دستور دهد که متهم در انفرادی نگهداری شود؟

در پرونده‌هایی که چند نفر باهم به مشارکت یا معاونت در ارتکاب جرم متهم شده‌اند، بازپرس می‌تواند برای جلوگیری از احتمال تبانی متهمین برای از بین بردن آثار و علائم جرم، دستور دهد که این افراد جدا از هم نگهداری شوند. ولی این دستور به معنای نگهداری متهمین در سلول‌های انفرادی نیست. زیرا اولاً در قوانین جاری، سلول انفرادی به عنوان محلی برای نگهداری متهمین پیش‌بینی نشده و از مصادیق شکنجه و فشار بر متهمین تلقی شده است. و دوم اینکه منظور از نگهداری متهمین جدا از یکدیگر این است که آن‌ها می‌توانند همراه با سایر متهمین باشند ولی نمی‌توانند کنار هم باشند.

### بازداشتگاه‌های امنیتی تحت نظر نهادهای امنیتی اداره می‌شوند یا سازمان زندان‌ها؟

متهمینی که به اتهام جرایم امنیتی یا سیاسی و نظامی در بازداشت قرار می‌گیرند، در بازداشتگاه‌های امنیتی نگهداری می‌شوند. این بازداشتگاه‌ها در زندان‌های مراکز استان قرار دارند و تحت نظر سازمان زندان‌ها اداره می‌شوند. به همین دلیل باید استانداردهای



نگهداری، نحوه مدیریت و ارائه خدمات در این بازداشتگاهها مطابق با مقررات «آئین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی» باشد. همه کارکنان و مسئولان این بازداشتگاهها باید از پرسنل سازمان زندانها باشند و مکلفند که قانون حفظ حقوق شهروندی و احترام به آزادیهای مشروع را در مورد متهمین بازداشتی رعایت کنند. بر اساس مقررات آئین نامه اجرایی سازمان زندانها، مسئولین این بازداشتگاهها وظیفه دارند حقوق و تکالیف قانونی متهمین را در کتابچه‌ای جمع‌آوری کرده و آن را به متهمین تازه‌وارد بدهند.

### ❓ آیا مأموران بازداشتگاهها می‌توانند متهمین را بازجویی کنند؟

مأموران و مسئولان بازداشتگاهها فقط حق نگهداری متهمین را در این بازداشتگاهها دارند و آنها حق انجام تحقیقات یا بازجویی از متهمین را ندارند. کلیه تحقیقات در همه جرایم باید توسط بازپرس انجام شود و در صورتی که بازپرس انجام برخی از تحقیقات را به ضابطان موکول کند، باید بر نحوه انجام تحقیقات توسط آنها نظارت داشته باشد.

📌 **مثال:** بازپرس دستور بازرسی از منزل سعیده که به «تبلیغ علیه نظام» متهم است را به ضابطان قضائی محول می‌کند. بازپرس علاوه بر اینکه در دستور خود موضوع اتهام را بیان می‌کند، دستورات لازم در مورد چگونگی بازرسی از منزل او را به ضابطان می‌دهد و تأکید می‌کند که اموال و اشیای مرتبط با موضوع اتهام و متعلق به سعیده مورد بازرسی و تفتیش قرار گیرد. ضابطان در مراجعه به منزل سعیده با برخوردهای خشن و توهین‌آمیز با خانواده او، قانون را نقض و از حدود وظایف خود خارج می‌شوند. آنها تمام اتاق‌های متعلق به خواهران و برادران سعیده را هم به بهانه بازرسی به هم می‌ریزند. ضابطان در صورتجلسه‌ای که از نتیجه بازرسی و تفتیش منزل سعیده تنظیم می‌کنند کیس کامپیوتر خواهر و برادر سعیده، چند جلد آلبوم عکس خانوادگی، و یک دستگاه گیرنده ماهواره را نیز قید می‌کنند. نسخه دوم صورتجلسه بازرسی هم به متصرف خانه (خانواده سعیده) داده نشده است. بازپرس در این موارد می‌تواند با اعلام تخلف ضابطان به مراجع اداری و انتظامی و با صدور دستور بازگرداندن اشیای غیرمرتبط با موضوع اتهام و متهم، نظارت خود بر تحقیقات انجام‌شده توسط ضابطان را اعمال کند.<sup>۱۱</sup>

## ❓ اشخاص زیر ۱۸ سال بازداشت‌شده در کجا نگهداری می‌شوند؟

برای نگهداری اطفال (کودکان) یا اشخاص زیر ۱۸ سال، در بسیاری از مراکز استان‌ها «کانون اصلاح و تربیت» ایجاد شده و در مواردی که متهم از اشخاص زیر ۱۸ سال است، باید در این کانون‌ها نگهداری شود. نگهداری افراد زیر ۱۸ سال همراه با بزرگسالان ممنوع است. در مراکز استان‌هایی که کانون اصلاح و تربیت ایجاد نشده، متهمین زیر ۱۸ سال باید در محل‌های جداگانه‌ای غیر از محیط نگهداری متهمین بزرگسال نگهداری شوند.

## ❓ (د) حق برخورداری از دادرسی عادلانه و دادگاهی صالح و بی‌طرف

### ❓ منظور از دادگاه صالح چیست؟

بعضی از جرایم از جمله جرایمی هستند که تحقیق از متهم و رسیدگی به آن‌ها فقط در صلاحیت دادگاه است و دادسرا حق دخالت در این‌گونه موارد را ندارد. مثل: تحقیق در جرایم «منافی عفت» یا رسیدگی به اتهامات اطفال که به طور مستقیم در دادگاه‌های مربوطه مطرح می‌شوند. اگر این‌گونه پرونده‌ها به دادسرا فرستاده شوند متهم حق دارد که اعتراض کند و بخواهد که پرونده‌اش در دادگاه مربوطه رسیدگی شود.

پرونده‌هایی که بعد از صدور کیفرخواست از دادسرا به دادگاه ارسال می‌شوند، دادگاه باید فقط به جرایم مندرج در کیفرخواست رسیدگی کند. یعنی دادگاه‌ها حق ندارند به اتهامات دیگری که علیه متهم اعلام شده ولی در قرار مجرمیت و کیفرخواست ذکر شده از آن‌ها به میان نیامده، رسیدگی و حکم صادر کنند.

📌 **مثال:** شخصی در بازپرسی به ارتکاب چند جرم سرقت، فروش مال مسروقه و جعل عنوان متهم شده؛ ولی در نهایت بازپرس قرار مجرمیت او را فقط برای سرقت صادر کرده و نسبت به اتهامات جعل عنوان و فروش مال مسروقه، قرار منع تعقیب صادر کرده است. دادستان هم نسبت به سرقت کیفرخواست صادر می‌کند و پرونده به دادگاه ارسال می‌شود تا رسیدگی و حکم صادر شود. قاضی دادگاه حق ندارد که مجدداً نسبت به فروش مال مسروقه و جعل عنوان از متهم تحقیق کند.

✱ نکته: دادگاه‌ها فقط حق دارند به مواردی که پس از تحقیقات لازم، در کیفرخواست جرم تلقی شده‌اند رسیدگی کرده و حکم صادر کنند. در چنین مواردی که دادگاه به موارد خارج از کیفرخواست نیز رسیدگی می‌کند، متهم حق دارد تا اعتراض کرده و این ایراد می‌تواند از مواردی باشد که در مرحله تجدیدنظر موجب نقض دادنامه شود.

### ❓ آیا هیئت منصفه در دادگاه‌های ایران حضور دارند؟

طبق قانون آئین دادرسی کیفری، به اتهامات جرایم مطبوعاتی و سیاسی باید در «دادگاه‌های کیفری یک» با حضور هیئت منصفه رسیدگی شود. متأسفانه تاکنون اعضای هیئت منصفه رسیدگی به جرایم سیاسی انتخاب و تعیین نشده‌اند، ولی برای جرایم مطبوعاتی اشخاصی به عنوان اعضای هیئت منصفه تعیین شده‌اند که در برخی موارد بی‌طرفی آن‌ها مورد تردید است.

### ❓ (ذ) حق برخورداری از قاضی صالح و بی‌طرف

#### ❓ قاضی در چه شرایطی صلاحیت رسیدگی به پرونده را ندارد؟

برای رعایت حقوق متهم، شرایطی نیز برای صلاحیت قاضی تحقیق (یعنی بازپرس، دادیار، دادستان) و قاضی صادرکننده حکم در نظر گرفته شده است که چنانچه در پرونده‌ای قاضی (یعنی بازپرس، دادیار، یا قاضی صادرکننده حکم) یکی از شرایط زیر را داشته باشد، طرفین دعوا یعنی هم شاکی و هم متهم، می‌توانند به صلاحیت وی ایراد وارد کنند:

۱. اگر پیش از این در آن مورد نسبت به همان متهم حکم صادر کرده یا تصمیمی قضایی گرفته باشد
۲. با طرف دعوا نسبت خویشاوندی داشته باشد
۳. اگر دادرسی یا بازپرسی یا دادیار در قضیه نفع داشته باشد

با وجود هر کدام از این دلایل، دیگر چنین قاضی‌ای صلاحیت ندارد تا برای تحقیقات یا رسیدگی وارد قضیه شود و قرار یا حکم صادر کند. اگر قاضی صلاحیت رسیدگی به پرونده را نداشته باشد ولی به پرونده رسیدگی کرده و حکم هم صادر کند، این حکم در مرحله تجدیدنظر قابل نقض است.

پس یکی دیگر از حقوق متهم این است که حق دارد به صلاحیت دادرس یا قاضی ایراد بگیرد. در این گونه موارد متهم می‌تواند با ایراد (رد دادرس)، عدم صلاحیت قاضی تحقیق یعنی بازپرس یا دادیار تحقیق یا قاضی صادرکننده حکم را اعلام کند.

## ۱) حق محاکمه متهم به اتهامات متعدد در یک محکمه

اگر یک نفر به انجام ۴ جرم سرقت، خیانت در امانت، جاسوسی، و فرار از خدمت نظام وظیفه متهم شده باشد؛ آیا در یک دادگاه محاکمه می‌شود یا به طور جداگانه در دادگاه‌های مختلف؟

برای پاسخ به این سؤال باید بدانیم که:

۱. طبق قانون آئین دادرسی کیفری، دادگاه‌ها چند نوع هستند:

◆ **دادگاه‌های کیفری یک:** این دادگاه‌ها در مراکز استان تشکیل می‌شوند و یک رئیس و ۲ مستشار دارند که با حضور ۲ عضو رسمیت پیدا می‌کنند. این دادگاه‌ها به جرایم مهمی مثل جرایم موجب سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو، و جرایم سیاسی و مطبوعاتی رسیدگی می‌کنند. البته رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی باید به طور علنی و با حضور هیئت منصفه به عمل آید. حضور دادستان در تمام جلسات رسیدگی در این دادگاه‌ها ضروری است.

◆ **دادگاه‌های کیفری دو:** این دادگاه‌ها به همه جرایم عمومی رسیدگی می‌کنند.

◆ **دادگاه‌های انقلاب:** این دادگاه‌ها برای رسیدگی به جرایمی که قانون آن‌ها را «امنیتی» تلقی کرده، صالح هستند. مثل: تبلیغ علیه نظام، اقدام علیه امنیت ملی، جاسوسی، توهین به رهبری و... این دادگاه‌ها در مواردی که به جرایم مهم موجب مجازات سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو یا جرایم امنیتی رسیدگی می‌کنند، با حضور ۲ عضو از ۳ قاضی رسمیت پیدا می‌کنند. و برای رسیدگی به سایر جرایم، با حضور یکی از قضات (اعم از رئیس، مستشار یا دادرس علی‌البدل) رسمیت می‌یابند.

◆ **دادگاه نظامی یک و دو:** برای رسیدگی به جرایم خاص نظامیان، صالح هستند. آن هم فقط در صورتی که نظامی‌ها در موقع انجام وظیفه نظامی خود، مرتکب جرم شده باشند مثل: فرار از خدمت.

◆ **دادگاه‌های اطفال:** به جرایم اشخاص زیر ۱۸ سال رسیدگی می‌کنند و از یک قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شوند.

پس در مورد ۴ اتهام ذکر شده در سؤال، به «اقدام علیه امنیت ملی» در دادگاه انقلاب، به «خیانت در امانت و سرقت» در دادگاه عمومی، و به «فرار از خدمت» در دادگاه نظامی رسیدگی می‌شود.

۲. **جرایمی که به متهم نسبت داده می‌شود، از نظر مجازات هم‌سنگ باشند**  
اگر همه جرایمی که به متهم نسبت داده می‌شود از نظر مجازات یکی باشند و مجازات هیچ‌کدام از آن جرایم بیش از مجازات جرایم دیگر نباشد، و همه آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری باشند؛ در این صورت به همه این جرایم در یک دادگاه رسیدگی می‌شود.

۳. **ممکن است جرایمی که فرد به انجام آن‌ها متهم شده، از نظر مجازات با هم فرق داشته باشند**

◎ **مثال:** مجازات قانونی یکی از جرایم ۳ تا ۶ ماه باشد که در صلاحیت دادگاه کیفری دو است و مجازات قانونی جرم دیگر ۲ تا ۵ سال و مجازات قانونی جرم سوم هم تا ۱۰ سال باشد؛ در این صورت به همه این اتهامات در دادگاهی رسیدگی می‌شود که برای رسیدگی به جرم سنگین‌تر (مهم‌تر) صالح است. مثلاً در مورد سرقت، خیانت در امانت و کلاهبرداری، چون مجازات کلاهبرداری از همه بیشتر است پرونده در دادگاهی رسیدگی می‌شود که به جرم کلاهبرداری رسیدگی می‌کند. مگر در مواردی که کسی متهم به انجام یک جرم - مثلاً سرقت - شده و رسیدگی به اتهام شروع شده باشد، اما در حالی که به اتهام سرقت رسیدگی می‌شود یک شکایت دیگر هم به عنوان کلاهبرداری از او بشود. در این صورت به اتهام کلاهبرداری در همان دادگاهی که به اتهام سرقت رسیدگی می‌کند و زودتر این کار را شروع کرده، رسیدگی می‌شود. (۲۲) گاهی ممکن است کسی چند جرم، در چند شهر مختلف مرتکب شده باشد. در این صورت نیز رسیدگی در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهم‌ترین جرم در آن اتفاق افتاده است، یا در دادگاهی صورت می‌گیرد که متهم در آنجا دستگیر شده باشد.

اما اگر کسی مثلاً به ارتکاب ۲ جرم «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» و «تبلیغ علیه نظام» متهم شده باشد، به اتهام نشر اکاذیب در دادگاه کیفری یک و به اتهام تبلیغ علیه نظام در دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شود.

## ز) حق محاکمه شرکا و معاونین جرم، هم‌زمان در محکمه واحد

❓ اگر چند نفر باهم مرتکب جرم شده باشند و مثلاً متهم اصلی در تهران باشد اما برخی از متهمین در قم و یکی در سمنان باشند، آیا هر کدام در شهر خودشان محاکمه می‌شوند؟

نه! در مواردی که جرم توسط چند نفر انجام شده است برای اینکه متهمین دارای شرایط مساوی برای تحقیق و رسیدگی باشند، به اتهام همه آن‌ها در دادسرا یا دادگاهی رسیدگی می‌شود که به اتهام «مجرم اصلی» در آن دادسرا یا دادگاه رسیدگی می‌شود. فایده این نحوه رسیدگی این است که امکان دارد در دادگاه اظهارات یکی از متهمین به نفع دیگران مورد استفاده قرار گیرد و به این ترتیب از تضییع حقوق افراد جلوگیری می‌شود.

## ژ) حق تحصیل اطلاعات از پرونده

❓ آیا متهم حق دارد که از محتویات پرونده مطلع شود یا نه؟

بله. همین که پرونده به دادگاه فرستاده و برای آن وقت رسیدگی تعیین شد و متهم یا وکیل وی از آن مطلع شدند، حق دارند که با مراجعه به دفتر شعبه دادگاه، پرونده را مطالعه کنند و همانجا آن را مطالعه و محتویاتش را ملاحظه کنند.

📌 **مثال:** کسی متهم به قتل شده و دلیل آن هم ۲ چیز است: یکی چاقویی خونی که کنار جسد بوده، و دیگری فیلمی که در هنگام وقوع قتل با دوربین‌های مداربسته گرفته شده و آن فیلم نشان می‌دهد که متهم با چاقو به قلب مقتول زده و او را کشته است.

وقتی متهم یا وکیلش به دفتر شعبه مراجعه می‌کنند و می‌خواهند از محتویات پرونده مطلع شوند، دادگاه مکلف است که هم اوراق پرونده را برای مطالعه در اختیار متهم یا وکیل او قرار بدهد و هم چاقوی خونی‌ای که ضبط شده و ضمیمه پرونده است را به رویت متهم یا وکیل برساند تا بتوانند در روز محاکمه، دفاع قانونی لازم را به عمل آورند. همچنین دفتر دادگاه می‌تواند نسخه‌ای از فیلم یا نوار تهیه کرده و در اختیار متهم یا وکیل او قرار دهد.

## سی) حق مطالعه صور تجلسات و هر اوراقی که برای امضاء در اختیار متهم قرار می‌گیرد

آیا قاضی می‌تواند به متهم بگوید «حق نداری صور تجلسه‌های دادگاه را مطالعه کنی» یا اینکه به بهانه کمبود وقت، متهم را از مطالعه صور تجلسه دادگاه یا هر مطلبی که برای امضاء در اختیار او قرار می‌دهد منع کند؟

نه! متهم حق دارد تا زمانی که مطلبی را به طور کامل مطالعه نکرده و از محتویات آن به طور کامل با خبر نشده است، از امضای زیر آن برگه خودداری کند و هیچ مقامی (حتی قاضی) حق ندارد او را وادار به امضای مطلبی کند که آن را مطالعه نکرده یا ممکن است سفید امضاء باشد.

◎ **مثال:** ممکن است در بازجویی برگه‌ای را در مقابل متهم قرار دهند و بگویند «امضاء کن یا انگشت بزنی!» این قبیل اقدامات غیرقانونی است و مقام قضایی یا هر مرجعی که امر تحقیق به او واگذار شده یا مسئول به امضای متهم رساندن مطلبی است، مکلف است تا ابتدا به متهم تفهیم کند متنی که در اختیار او قرار داده می‌شود را بخواند و سپس در صورت تأیید آن را امضاء کند. زیرا امضای سند و مدرک و هر برگه‌ای در واقع تأیید محتویات آن است و لازمه‌اش مطالعه و کسب اطلاع از محتویات آن برگه است.

## ش) حق اعتراض به قرار بازداشت

آیا متهم حق دارد که به قرار بازداشت موقت اعتراض کند؟

در صورتی که برای تضمین حضور متهم در دادسرا یا دادگاه لازم باشد که قاضی «قرار بازداشت موقت» صادر کند، باید قرار مستدل و موجه باشد و حتماً مستند قانونی و ادله آن و قابل اعتراض بودن آن را در متن قرار قید کند. همچنین به متهم تفهیم کند که قرار بازداشت موقت قابل اعتراض است و ۱۰ روز فرصت دارد تا به این قرار اعتراض کند. پس یکی دیگر از حقوق حقه متهم «حق اعتراض به قرار بازداشت موقت» است که به اعتراض وی در دادگاه رسیدگی می‌شود.

حال اگر قرار بازداشت ۲ ماهه صادر شود و متهم اعتراض کرده ولی دادگاه قرار را

تأیید کند، باز هم متهم حق دارد بعد از یک ماه به این قرار اعتراض کند و دادسرا تکلیف دارد که اعتراض متهم را به دادگاه بفرستد تا دوباره به آن رسیدگی شود. ممکن است شرایطی پیش بیاید که موجبات بازداشت متهم از بین برود؛ در این صورت هم متهم می‌تواند از بازپرس بخواهد که قرار بازداشت او را فسخ کند.

◎ **مثال:** ممکن است ۲ نفر با هم جرمی را مرتکب شده باشند و فقط یکی از آن‌ها دستگیر شده و از او تحقیق شود، اما دیگری فراری باشد و بازپرس برای جلوگیری از تبانی این ۲ متهم با یکدیگر قرار بازداشت متهم دستگیر شده را صادر کند. ولی بعد از ۱۵ روز متهم فراری هم دستگیر شده و تحقیقات لازم انجام بشود. چون با دستگیری او و انجام تحقیقات امکان تبانی از بین رفته است، متهم اولی که در بازداشت بوده می‌تواند از بازپرس تقاضا نماید که قرار بازداشت او را فک و آن را به قرار خفیف‌تر و مناسب‌تری تبدیل کند یا اگر موجبی برای صدور قرار نباشد، بلاقید آزاد شود.

## ص) حق سؤال از شهودی که علیه متهم شهادت می‌دهند

آیا متهم حق دارد تا از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند سؤال‌هایی بکند؟

بله. متهم می‌تواند برای روشن شدن قضیه و کشف حقیقت، از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند سؤال‌هایی بکند. ولی باید سؤال‌های خود را به قاضی دادگاه بدهد و قاضی این سؤال‌ها را مطرح کند و از شهود پاسخ بخواهد.

## ض) حق اخذ رسید در هنگام بازرسی از منزل و بازرسی بدنی متهم

۱. همان‌گونه که پیشتر گفته شد، ورود به منزل و بازرسی و تفتیش منزل یا محل کار متهم باید با دستور مقام قضایی و با حکم مخصوص انجام شود.

۲. در صورتی که مأمورین و ضابطین دادگستری بر اساس دستور مقام قضایی و حکم مخصوص اقدام به بازرسی منزل یا محل کار متهم کنند، مکلفند که صورتجلسه‌ای در ۲ نسخه تهیه کرده و هر ۲ نسخه را به امضای متهم و حاضرین در محل و مأمورین



بازرسی کننده برسانند و یک نسخه از صورتجلسه مذکور را به عنوان رسید به متهم تسلیم کنند.

📌 **مثال:** شخصی به تقلب در تهیه و ساخت مواد دارویی متهم شده است. ضابطین دادگستری با دستور مقام قضایی و حکم خاص بازرسی از منزل متهم باید پس از ارائه حکم صادره به او، وارد منزل شده و فقط آنچه که مرتبط با تهیه و ساخت مواد دارویی است (مثل ترازوی سنجش مواد اولیه، برچسب‌های دارویی و...) از منزل متهم توقیف و ضبط کنند. ولی حق ندارند شیء دیگری که غیرمرتبط با تهیه و ساخت دارو است (مثل چک، پول و...) را از منزل یا محل کار متهم توقیف کنند. در ضمن در صورتجلسه تنظیمی باید ویژگی‌های مواد دارویی کشف‌شده (مثلاً اینکه پودر است یا مایع) و میزان آن‌ها را قید کنند و به امضای حاضرین یا متهم - در صورت حضور - برسانند.

✳️ **نکته:** صورتجلسه امضاء نشده توسط متهم یا حاضرین، فاقد هرگونه اعتبار قانونی است.

۳. مأمورین بازرسی کننده بدنی از متهم، مکلف هستند که در هنگام بازرسی بدنی صورتجلسه‌ای در ۲ نسخه تنظیم و ضمن تعریف و توصیف اشیای توقیف‌شده از متهم در آن، هر ۲ نسخه صورتجلسه تنظیمی را به امضای متهم رسانده و یک نسخه از آن را به عنوان رسید به متهم تسلیم کنند. در غیر این صورت، صورتجلسه فاقد امضاء و رسید هیچ‌گونه اعتبار قانونی ندارد.


### ط) حق استرداد اموالی که در بازرسی بدنی متهم کشف شده است

آیا متهم حق دارد اموالی را که در منزل یا محل کار یا در بازرسی بدنی از او به دست آمده را از دادگاه یا دادسرا مطالبه کند؟ 📌

بله. اموالی که در جریان بازرسی منزل یا محل کار، یا در بازرسی بدنی از متهم کشف و توقیف می‌شود فقط به منظور تحقیق و بررسی در خصوص ارتباط اموال مذکور با اتهام وارده و سنجش آن‌ها به عنوان دلیل یا قرینه مورد استفاده قرار می‌گیرند. بازپرس یا قاضی دادگاه مکلف است پس از سنجش و بررسی اشیای مزبور و بعد از پایان تحقیقات و در

صورت رفع نیاز، دستور استرداد آن‌ها به متهم را صادر کند. بنابراین در صورتی که تحقیقات پایان یافته و دیگر نیازی به در توقیف بودن آن اشیاء نباشد، متهم می‌تواند استرداد آن‌ها از دادسرا یا دادگاه تقاضا کند. مگر اینکه اشیای توقیفی از جمله مواردی باشند که باید معدوم شوند (مثل مواد مخدر).


## ط) حق دریافت نسخه‌ای از قرار، کیفرخواست یا دادنامه

آیا متهم می‌تواند یک نسخه از کیفرخواست، قرار تأمین یا رأی خود را از دادسرا یا دادگاه بگیرد؟ 

بله. دادگاه بعد از تعیین وقت رسیدگی و هم‌زمان با احضار متهم به دادرسی، یک نسخه کپی کیفرخواست را تهیه و برای متهم ارسال می‌کند. چنان‌چه نتیجه انجام تحقیقات و رسیدگی در بازپرسی و در دادگاه منجر به صدور قرار یا رأی شود، دادسرا و دادگاه مکلف هستند که یک نسخه از قرار یا رأی صادرشده را بعد از امضاء و مهر، به متهم تسلیم کنند؛ به این عمل در اصطلاح حقوقی «بلاغ» می‌گویند. چنان‌چه هر یک از این مراجع از تسلیم یک نسخه مثلاً قرار بازداشت موقت یا تسلیم یک نسخه رأی به متهم خودداری کند، متهم حق دارد که کتبا آن را مطالبه کرده و چون عدم تسلیم نسخه‌ای از دادنامه به متهم تخلف از قانون است، متهم حق شکایت به مراجع صالح را دارد. علت اینکه متهم حق دارد یک نسخه از رأی صادره در اختیارش باشد این است که متهم حق دارد نسبت به قرارهای بازداشت و آرای صادر شده اعتراض و تجدیدنظرخواهی کند و برای این کار لازم است که از محتویات آن‌ها مطلع باشد تا چنان‌چه رأیی خلاف قانون یا آنچه که در پرونده بوده صادر شده باشد، به موارد نقض قانون یا بی‌توجهی به اسناد و مدارک موجود در پرونده استناد کرده و نقض آن را بخواهد.

از نظر قانونی هر رأیی که صادر می‌شود باید: مستدل (یعنی با دلیل)، مستند (یعنی مطابق قانون) و موجه (یعنی عقلانی) باشد. چنان‌چه نسخه‌ای از رأی به متهم تسلیم نشود، نمی‌تواند از محتوای آن و از مستدل یا مستند یا موجه بودن یا نبودن آن مطلع شده و نسبت به آن اعتراض موجهی به عمل آورد. همچنین اگر دادگاه به او اجازه دهد که مفاد رأی را رونویسی کند، باید بعد از اتمام رونویسی صحت و برابری آن با اصل رأی توسط دادگاه گواهی شود.


## ع) حق علنی بودن محاکمه

آیا هر کسی از اعضای خانواده یا دوستان طرفین پرونده یا روزنامه‌نگاران حق شرکت در جلسات دادگاه را دارند؟ 

اصل بر علنی بودن محاکمات است. منظور از علنی بودن این است که هیچ مانعی برای حضور سایر اشخاص در محاکمه نباشد. مگر در «جرایم قابل گذشت» که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند.


◎ **مثال:** توفیق از محمود به اتهام افترا شکایت کرده است. پرونده با کیفرخواست به دادگاه ارسال شده و وقت رسیدگی هم تعیین شده است. در روز رسیدگی، محمود تقاضا می‌کند که محاکمه به صورت غیرعلنی تشکیل شود. در این صورت دادگاه می‌تواند قرار غیرعلنی بودن محاکمه را صادر کند. در غیر این صورت محاکمه به صورت علنی برگزار می‌شود. قاضی می‌تواند در مواردی که علنی بودن محاکمه مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی شود، محاکمه را غیرعلنی برگزار کند؛ ولی باید مستدلاً ضرورت این اقدام را در صورتجلسه محاکمه درج کند.

## غ) حق مطالبه خسارت ایام بازداشت غیرقانونی

آیا متهم می‌تواند به خاطر غیرقانونی بودن بازداشتش درخواست خسارت کند؟ 

بله. چنانچه شخصی در مرحله تحقیقات و دادرسی بازداشت شود ولی بعد از اتمام تحقیقات یا دادرسی بی‌گناهی او ثابت و پرونده‌اش منجر به قرار منع تعقیب یا برائت شود، تا حداکثر ۶ ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی - که حاکی از بی‌گناهی اوست - حق دارد جبران ضرر و زیان‌های مادی و معنوی که به خاطر بازداشت به او وارد شده را از دولت مطالبه کند. منظور از «زیان معنوی» صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است.

## ف) حق برخورداری متهم از بهداشت، غذا و تفریح سالم در بازداشتگاه

آیا متهمی که با قرار بازداشت موقت یا به هر دلیل دیگر مدتی را باید در بازداشت باشد حق دارد از حقوق مربوط به زندانیان در رابطه با بهداشت، غذا و تفریح سالم در زندان برخوردار باشد؟ 

بله. متهمان نیز مانند محکومان باید از کلیه حقوق مربوط به بهداشت زندانیان (مثل حق داشتن لباس به میزان مناسب) و تغذیه مناسب برخوردار باشند. متهمان حق دارند در مدتی که در بازداشت هستند، از هواخوری و تفریحات سالم در بازداشتگاه برخوردار باشند و طی مدت اقامت در بازداشتگاه، در مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا مؤسسات صنعتی و کشاورزی و خدماتی مشغول به کار و حرفه‌آموزی شوند.

## ق) حق درخواست سم‌پاشی و ضدعفونی کردن مکانی که نگهداری می‌شود

مسئولین بازداشتگاه‌ها مکلف هستند که به نظافت و بهداشت محل نگهداری متهمان توجه داشته باشند و طبق مقررات آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، آسایشگاه‌ها و محل‌های نگهداری متهمان را سم‌پاشی کنند. متهم نیز می‌تواند برای جلوگیری از ظهور حشرات یا اشاعه ویروس و بیماری‌های موسمی و فصلی، از مسئولین بازداشتگاه بخواهد که محل نگهداریش را سم‌پاشی و ضدعفونی کنند.

## ک) حق مراجعه به بهداری بازداشتگاه یا زندان و حق معالجه و درمان

هر فردی که در بازداشتگاه یا زندان نگهداری می‌شود این حق را دارد که به طور مستمر توسط پزشک زندان یا بازداشتگاه معاینه شود و در صورت نیاز به درمان در بیمارستانی خارج از بازداشتگاه یا زندان، به بیمارستان اعزام شود. همچنین از نظر تغذیه، متهم بیمار مجبور به خوردن غذاهای بازداشتگاه نیست و باید غذایی میل کند که طبق برنامه و نظریه پزشک معالج برای او تجویز شده است.

## گ) حق مرخصی برای متهمین در بازداشت

یکی از وظایف شورای تشخیص بازداشتگاه‌های موقت، اعطاء مرخصی به متهم پس از هماهنگی با قاضی صادرکننده قرار یا دادستان است.

## نکته‌های کلی

۱. در تمام پرونده‌های سیاسی از یک طرف مأمورین نهادهای امنیتی مثل وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه، متهمین را تحت فشار قرار می‌دهند که علیه خود یا دیگری اظهاراتی را هرچند خلاف واقع بیان کنند، و از طرف دیگر خانواده‌های آن‌ها را از مصاحبه با رسانه‌های خارج از کشور و اطلاع‌رسانی از وضعیت‌شان منع می‌کنند و آن‌ها را می‌ترسانند که در صورت مصاحبه با رسانه‌ها وضعیت پرونده زندانی‌شان بدتر خواهد شد. مأموران امنیتی وعده می‌دهند که در صورت سکوت خانواده و اعتماد به آنان، دادگاه در آرامش به پرونده متهم رسیدگی کرده و حکم سبک‌تری برای او صادر می‌کند. اما در واقعیت، بیشتر متهمینی که خانواده‌هایشان از مصاحبه با رسانه‌ها خودداری کرده و در مورد وضعیت آن‌ها اطلاع‌رسانی نکرده‌اند، وضعیت پرونده‌شان در سکوت و غربت زندانی بدتر پیش می‌رود و اتفاقاً برخی از این افراد احکام سنگین‌تری می‌گیرند. اما کسانی که خانواده‌هایشان سکوت نکرده و اطلاع‌رسانی می‌کنند توجه نهادهای حقوق بشری به آن‌ها جلب شده و از قوه قضائیه خواهان شفافیت در مورد وضعیت آن زندانیان می‌شوند و این توجه کمک بزرگی به متهم می‌کند.

۲. متهمین سیاسی و عقیدتی تحت هیچ شرایطی نباید مقابل دوربین تلویزیون علیه خود حرف بزنند. زیرا با این کار هم وضعیت پرونده خود را پیچیده کرده و در واقع دست قاضی را

برای صدور حکم محکومیت باز می‌کنند و هم بازجویان را برای رسیدن به هدف‌شان که همانا تکمیل پرونده و محکومیت است، کمک می‌کنند. ضمن اینکه در هیچ‌یک از مقررات آئین دادرسی کیفری، مصاحبه متهم مقابل دوربین تلویزیون پیش‌بینی نشده است و این کار بازجویان یا مقامات دادستانی و قضائی غیرقانونی است.

۳. دیده شده برخی از متهمینی که در سلول‌های انفرادی محبوس می‌شوند، به علت ایزوله‌شدن و اینکه تنها با بازجویان در ارتباط قرار می‌گیرند، بعد از مدتی به بازجو علاقمند شده یا اینکه به بازجو اعتماد می‌کنند و هر آنچه که بازجو می‌گوید قبول می‌کنند. باید توجه داشت که «بازجو دوست متهم نیست» و عملاً در طرف مقابل متهم ایستاده است. او با ایزوله کردن متهم و تحمیل فشار انفرادی بر او، روح و روان متهم را در هم می‌ریزد و بعد از این مرحله رفتارش را تغییر داده و به بازجوی مهربان و دوست متهم تبدیل می‌شود تا او را به هر آنچه که می‌خواهد هدایت کند.

۴. متهم نباید نسبت به شکنجه، نقض قوانین و نگهداری شدن در سلول انفرادی سکوت کند. هر زمان که در بازپرسی یا دادگاه حاضر می‌شود باید تمامی موارد نقض قوانین، انفرادی و شکنجه را کتبا در صورتجلسه دادگاه بنویسد و قضات را به این موارد آشنا کند. حتی اگر خود بازپرس یا قاضی در جریان این امور باشد، لازم است که توسط متهم در صورتجلسه دادگاه نوشته شود.



## پی‌نوشت‌ها:

۱. بند یکم «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و بند ۲ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، اصل ۳۷ «قانون اساسی» و ماده ۴ «قانون آئین دادرسی کیفری» مصوب سال ۱۳۹۲

۲. ماده ۱۶۸ قانون آئین دادرسی کیفری: «بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار یا جلب کند. تبصره- تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.»

۳. ماده ۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.»

و ماده ۲۹ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «ضابطان دادگستری عبارتند از:

الف) ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند.

ب) (اصلاحی ۱۳۹۴) ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.

تبصره- کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند. اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام‌وظیفه می‌کنند و مسئولیت اقدامات انجام‌شده در این رابطه با ضابطان است. این مسئولیت نافی مسئولیت قانونی کارکنان وظیفه نیست.»

۴. ماده ۴۵ قانون آئین دادرسی کیفری

۵. مواد ۳۰ و ۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری

۶. همانجا ۵

۷. ماده ۴۹ قانون آئین دادرسی کیفری

۸. مواد ۱۶۸ تا ۱۷۹ قانون آئین دادرسی کیفری

۹. همانجا ۷

۱۰. ماده ۱۸۴ قانون آئین دادرسی کیفری

۱۱. مواد ۱۸۰ و ۱۸۵ قانون آئین دادرسی کیفری

۱۲. همانجا ۱۰

۱۳. همانجا ۵

۱۴. ماده ۱۹۰ و ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری و تبصره آن-  
ماده واحده «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی»

۱۵. مواد ۵۲، ۶۰ و ۱۹۵ قانون آئین دادرسی کیفری

۱۶. ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی کیفری

۱۷. همانجا ۱۵

۱۸. ماده ۱۵۰ قانون آئین دادرسی کیفری

۱۹. مواد ۱۳۷ تا ۱۴۷ قانون آئین دادرسی کیفری

۲۰. آئین‌نامه اجرایی بازداشتگاه‌های موقت

۲۱. آئین‌نامه اجرایی بازداشتگاه‌های امنیتی

۲۲. مواد ۳۱۳ و ۳۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری





بنیاد شیرین عبادی  
SHIRIN EBADI  
FOUNDATION



[www.shirinebadifoundation.org](http://www.shirinebadifoundation.org)